

رساله حکمیة

انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه اراک | شماره ششم | سال سوم | تابستان ۱۴۰۰



بررسی تاثیر فقر بر ارتکاب جرم
با نگاهی به فیلم

شهر خدا

صفحه ۶

وضعیت اقلیت‌های
دینی شناخته‌نشده

بررسی وضعیت اقلیت‌های دینی شناخته‌نشده در قانون اساسی ایران از منظر فقه و حقوق

صفحه ۳

یک تیر
و دو نشان!

گفتگوی دبیر انجمن علمی حقوق دانشگاه اراک با دانشجوی ممتاز ورودی ۹۶ حقوق دانشگاه اراک

رتبه یک بیست و ششمین المپیاد غیر متمرکز علمی دانشجویی

صفحه ۲

بررسی حقوقی مفهوم تابعیت

چالش‌های ساختاری نهاد وحدت رویه

نقدی بر عدم تصریح صلاحیت علمی داور

اقدامات ضروری بعد از تجاوز

آثار فسخ نامزدی در حقوق ایران

بررسی جرم اسیدپاشی به انضمام مجازات و پیامدهای گوناگون آن

تحولات تقنینی اعاده حیثیت در حقوق کیفری ایران

گزارش فعالیت سومین دوره انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه اراک

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه اراک



فصلنامه علمی تخصصی رساله عدلیه
انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه اراک
شماره ششم / سال سوم / تابستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه اراک
استاد مشاور: دکتر فرشته قنبری / عضو هیئت علمی حقوق دانشگاه اراک
مدیر مسئول: محمد جواد لرستانی

سردبیر: فاطمه مهربانی

طراح و صفحه آرا: علیرضا یوسفی

هیئت تحریریه: کژال شریفی، محمد شادپور، حنا حاتمی، الهام دانایی، هادی هنرمند راد
هانیه پاک فر، مصطفی نصارسلمانی، سحر حسینی ایرانی، یسنا زارعی، محیا شریفی

راه های ارتباطی

تلگرام

https://t.me/Arak_law_club

اینستاگرام

http://instagram.com/arak_lawclub

ایتا

[@Arak_law_club](https://www.aita.com/@Arak_law_club)

وبلاگ

<http://araklawclub.blog.ir/>

جیمیل

Araklawclub99@gmail.com

فهرست

۱.....	سخن سردبیر
۲.....	یک تیر و دو نشان
۴.....	وضعیت اقلیت‌های دینی شناخته‌نشده در قانون اساسی ایران از منظر فقه و حقوق
۶.....	بررسی تاثیر فقر بر ارتکاب جرم با نگاهی به فیلم شهر خدا
۹.....	آثار فسخ نامزدی در حقوق ایران
۱۰.....	بررسی جرم اسیدپاشی به انضمام مجازات و پیامدهای گوناگون آن
۱۳.....	تحولات تقنینی اعاده حیثیت در حقوق کیفری ایران
۱۶.....	چالش‌های ساختاری نهاد وحدت رویه
۱۷.....	نقدی بر عدم تصریح صلاحیت علمی داور
۱۹.....	بررسی حقوقی مفهوم تابعیت
۲۰.....	اقدامات ضروری بعد از تجاوز
۲۱.....	منابع
۲۲.....	دکترریعا اسکینی
۲۳.....	اخبار حقوقی
۲۵.....	فعالیت کارگروه‌های سومین دوره انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه اراک
۲۶.....	شرح برگزاری دوره‌ها و نشست‌های علمی تخصصی سومین دوره انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه اراک (میان دوره)

سخن سردبیر

به نام خداوند شعر و سخن ، نخستین سخن در همه انجمن

علم نیاز بشر است و تحقیق و تفحص بسان نور، راهگشای دانشجویان ساعی و کوشایی ست که با خوشه چینی امروز اندوخته خود را به آینده می برند. جست و جو و پرسشگری دانشجویان است که هویت او را می سازد و پایه ریز بنایی است که به علم به پا شده است. هدف ما هموار کردن این راه پر فراز و نشیب است و هر قدمی که در این زمینه بر می داریم هر چند کوچک ارمغانی به فرهیختگان فرداست. دوام حضور این نشریه ، بدون مشارکت فزاینده‌ی شما و ارسال مقالات ارزنده علمی امکان پذیر نیست. صمیمانه ترین درودها و سپاس را تقدیم اعضای محترم هیأت تحریریه و همکاران اجرایی سختکوش نشریه می کنم که بی تردید بدون حضور با انگیزه آن ها، انجام هیچ کاری در این زمینه ممکن نبود. نویسندگان مقالات وزین این شماره نیز که سخاوتمندانه ، آثار خود را در اختیار مجله گذاشتند، ما را مدیون منش والای خود کرده اند. در انتها از تمامی صاحب نظران و کارشناسان ارجمند دعوت به عمل می آوریم که با پیشنهادات و انتقادات سازنده خود ما را در هر چه بهتر شدن کیفیت رساله عدلیه یاری دهند.

آدمم زان سر به پایان می روم

این سخن پایان ندارد لیک من

فاطمه مهربانی « سردبیر نشریه رساله عدلیه »

یک تیر و دونشان!

گفتگوی دبیر انجمن علمی حقوق دانشگاه اراک با سرکار خانم مریم مرادی
دانشجوی ممتاز ورودی ۹۶ حقوق دانشگاه اراک | رتبه ۸۰ کنکور کارشناسی ارشد گرایش حقوق خصوصی | رتبه یک مرحله اول بیست و ششمین المپیاد غیر متمرکز علمی دانشجویی

۱ در ابتدا خودتان را معرفی کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم
مریم مرادی هستم دانش آموخته ی مقطع کارشناسی رشته حقوق و رتبه اول المپیاد علمی دانشجویی منطقه ۴ و رتبه ۸۰ کنکور کارشناسی ارشد ۱۴۰۰ در گرایش حقوق خصوصی

۲ چه زمانی این علاقه را در خود احساس کردید که تا مقطع ارشد ادامه دهید؟ آیا با کسی مشورت کردید؟

از ترم ۶ به نحو محسوس تری نسبت به گذشته پی بردم که از مطالعه حقوق لذت میبرم. حقوقدانهای برجسته ای همچون اساتیدمان را میدیدم و این علاقه در من ایجاد میشد که من هم بتوانم فردی همچون ایشان باشم.
با چندی از دوستانم در این مورد مشورت کردم و مرا به سمت ارشد هدایت کردند.

۳ در هر درس چه درصد هایی کسب کردید؟

در آزمون کارشناسی ارشد درصد های هر درس از ۸۰ درصد محاسبه میشود؛
متون حقوقی ۱۱/۳۱
حقوق مدنی ۴۰/۶۱
حقوق تجارت ۷۸/۳۷
آیین دادرسی مدنی ۵۶/۵۵
متون فقه ۳۳/۶۳

۴ از چه زمانی شروع به مطالعه کردید؟

و متوسط روزانه چند ساعت درس می خواندید؟

از یک سال قبل از زمان کنکور کارشناسی ارشد شروع به مطالعه برای کارشناسی ارشد کردم
تقریباً هشت ساعت درس میخواندم.

۵ منابع اصلی شما برای هر درس چه بود؟ آیا درسی را هم حذف کردید؟

حقوق مدنی: کتاب شرح جامع قانون مدنی از دکتر فرهاد بیات
آیین دادرسی مدنی: کتاب آیین دادرسی مدنی دکتر عبدالله شمس
حقوق تجارت: کتاب حقوق تجارت دکتر ربیعا اسکینی
متون فقه: کتاب تحریر الروضه فی شرح اللمعه از امینی و فقه استدلالی از سید مهدی دادمرزی
خیر؛ هیچ درسی را حذف نکردم.

۶ در آزمون های آزمایشی شرکت کردید؟ به نظر شما این آزمون ها تاثیری هم دارند؟

خیر؛ شرکت نکردم به جای آن گاهی از کتاب های تست استفاده میکردم تا بتوانم استفاده حداکثری را از زمان ببرم.
به نظر بنده آزمونهای آزمایشی همان کاری را میکنند که شخص خود میتواند با زدن تست و نمونه سوال انجام دهد و تا زمانی که اراده و عزمی جدی نباشد هزاران آزمون آزمایشی هم ثمربخش نخواهد بود.

۷ از چه زمانی جمع بندی را شروع کردید؟

از سه ماه قبل از کنکور کارشناسی ارشد شروع به جمع بندی کردم.

۸ اگر رتبه مد نظر خود را کسب نمی کردید، انتخاب رشته می کردید، یا سال دیگر هم آزمون می دادید؟

انتخاب رشته میکردم و سعی میکردم تلاشم را بیشتر کنم تا در دیگر آزمونهای بعدی این کمبود را جبران کنم.

۹ شما در المپیاد غیر متمرکز هم رتبه اول را کسب کردید؛ بفرمایید المپیاد علمی چیست و شرکت در آن چه شرایطی دارد؟ المپیاد یک رقابت علمی بین دانشجویان

است که هرساله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به منظور تشویق و ترغیب دانشجویان دانشگاههای کشور به مطالعه، تحقیق و ایجاد فرصت های مناسب علمی برگزار میکند.

دانشجویان سال سوم به بالای دوره کارشناسی رشته حقوق می توانند به دوصورت در المپیاد علمی دانشجویی شرکت کنند:

- متمرکز
دانشجویان با شرکت در آزمون کارشناسی ارشد که همزمان با المپیاد متمرکز است می توانند در رشته های مختلف المپیاد شرکت نمایند که شرایط و ضوابط آن همانند آزمون کارشناسی ارشد است. پس از بررسی و اعلام نتایج در صورتی که جزو ۱۵ نفر اول (با کسب حدنصاب نمره علمی بدون احتساب معدل) باشند به مرحله دوم المپیاد راه می یابند.

- غیر متمرکز

دانشجویان ممتاز سال سوم به بالا در مقطع کارشناسی با شرکت در آزمون المپیاد (غیر متمرکز) در مراکز قطب ها می توانند در المپیاد شرکت نمایند. در این روش ، دانشگاه های کشور به ۸ منطقه دانشگاهی تقسیم شده و تیم های معرفی شده از هر دانشگاه (هر رشته حداکثر ۵ نفر) ابتدا در مراکز این قطب ها به طور همزمان با یکدیگر به رقابت پرداخته سپس برگزیدگان هر منطقه در کنار برگزیدگان المپیاد متمرکز در مرحله نهایی شرکت می نمایند.

دانشجویان ممتاز شرکت کننده در المپیاد غیر متمرکز حتما باید در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل باشند یعنی فارغ التحصیلان نیم سال اول سال تحصیلی برگزاری المپیاد نیز نمی توانند در المپیاد غیر متمرکز شرکت نمایند.

۱۰ چطور از برگزاری این آزمون مطلع شدید و از چه زمانی شروع به مطالعه کردید؟

یکی از اساتید محترم در یکی از کلاسها اعلام کرد واز یک ماه قبل از زمان برگزاری المپیاد شروع به مطالعه کردم.

۱۱ منابع شما برای المپیاد چه بود؟

حقوق مدنی: شرح جامع قانون مدنی دکتر فرهاد بیات

زمانی که اراده و عزمی جدی نباشد هزاران آزمون آزمایشی هم ثمربخش نخواهد بود.

۱۷ به نظر خودتان عوامل موفقیت تان چه بود؟

همانطور که پیش تر عرض کردم برنامه ریزی یکی از این عوامل بود. عوامل دیگری هم تاثیر داشتند از جمله عزم و اراده قوی و تلاش های بی وقفه. امیدوار بودن به آینده ای روشن و اعتقاد به موقتی بودن سختی ها و تصور طعم شیرین مقصد.

۱۸ و سخن پایانی؟

وقتی که هدفی باشد مقصدی باشد فراز و نشیب های جاده، لذت بخش خواهد بود چراکه عطر خوشبوی موفقیت و طعم شیرین مقصد یاری گر تو خواهند بود و پرعزم تراز قبل و همچون تازه متولد شده ای با قدرت به سمت هدف حرکت خواهی کرد...

مریم مرادی | شهریور ۱۴۰۰

۴- نفرات برتر مرحله کشوری، در اولویت استخدامی قرار میگیرند.

۱۴ با آنکه تفاوتی میان منابع آزمون ارشد و المپیاد است، چطور این موضوع را مدیریت کردید؟

نامیدی و سستی بخود راه ندادم و بجای آن برنامه ریزی مناسبی کردم.

۱۵ در این ایام تفریح هم داشتید؟ خیر

۱۶ تاثیر برنامه ریزی را چقدر مهم می دانید؟

تا برنامه ریزی نباشد گاهی را هم نمیتوان برداشت. برداشت. برنامه ریزی مناسب حرف اول

و آخر را برای موفقیت در ارشد و المپیاد و سایر آزمونها میزند. کسانی بوده اند که زمان زیادی را هم صرف مطالعه میکردند ولی به دلیل برنامه ریزی نامناسب یا عدم برنامه ریزی از مدار موفقیت جاماندند.

تا برنامه ریزی نباشد گاهی را هم نمیتوان برداشت. برنامه ریزی مناسب حرف اول و آخر را برای موفقیت در ارشد و المپیاد و سایر آزمونها میزند.

متون فقه و اصول: کتاب تحریر الروضه فی شرح اللمعه از امینی و فقه استدلالی سید مهدی دادمزی، اصول فقه کاربردی از ابوالحسن محمدی

حقوق اساسی: حقوق اساسی دکتر هاشمی
حقوق جزای عمومی: حقوق جزای عمومی از دکتر ساولانی
حقوق بین الملل عمومی: حقوق بین الملل عمومی از دکتر ضیایی بیگدلی
آیین دادرسی کیفری: شرح آیین دادرسی کیفری دکتر خالقی

۱۲ سطح سوالات برای دانشجوین مقطع کارشناسی مناسب بود؟

بله

۱۳ در صورت قبولی در مرحله نهایی چه امتیازات تحصیلی و شغلی به برگزیدگان اهدا می شود؟

۱- رتبه اول تا پانزدهم مرحله نهایی المپیادهای علمی دانشجویی کشور می توانند بدون شرکت در آزمون کارشناسی

ارشد

متناسب

با تعداد داوطلب و ظرفیت هر رشته محل با معرفی مرکز المپیاد سازمان سنجش مستقیماً توسط دانشگاه ها پذیرفته شوند.

۲- نفرات اول تا سوم مرحله نهایی المپیاد علمی دانشجویی کشور با تایید سازمان سنجش آموزش کشور می توانند از بورس تحصیلی بنیاد نخبگان استفاده نمایند.

۳- به برگزیدگان برتر مرحله نهایی المپیاد علمی- دانشجویی متناسب با رتبه اخذ شده در مصاحبه پذیرش مقطع دکتری امتیاز آموزشی تعلق میگیرد.

وضعیت اقلیت‌های دینی شناخته‌نشده در قانون اساسی ایران از منظر فقه و حقوق

کژال شریفی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
Kazhalsharifi415@gmail.com

یکی از حقوقدانان در بیان معنای اصطلاحی اقلیت چنین نوشته است: گروهی از اتباع یک کشور که از لحاظ ملی، نژادی، زبانی یا مذهبی از دیگر گروه‌های مردم متفاوت بوده، از لحاظ تعداد کم‌ترند و قدرت حکومت را نیز در دست ندارند. بنابراین می‌توان گفت واژه اقلیت در استعمال عرفی، بیش‌تر به مفهومی آماری اشاره دارد، درحالی‌که در استعمال اصطلاحی، مفهومی کیفی است و به گروه‌هایی اشاره دارد که نسبت به گروه اصلی، قدرت اجتماعی و یا حقوقی کم‌تری دارند، هر چند از حیث تعداد هم بیش‌تر باشند.

با نظر به قانون اساسی دو دسته از اقلیت‌های دینی قابل تفکیک به نظر می‌رسند؛ اقلیت‌های دینی شناخته‌شده و شناخته نشده. دسته اول شامل ایرانیان زرتشتی، کلیسی و مسیحی است که وجود آنان در اصل ۱۳ قانون اساسی مورد شناسایی قرار گرفته و به وضعیت حقوقی آنان اشاره شده است و دسته دوم شامل سایر ایرانیان غیرمسلمان است که وجود آنان صریحاً در قانون اساسی شناسایی نشده است و لذا وضعیت حقوقی آنان نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

با این همه، دو مقرر در نظام حقوقی ایران در این زمینه راهگشاست، نخستین مقرر در عموم اصل ۱۴ ق.ا. است که این دسته از ایرانیان را نیز شامل می‌شود و بر اساس تعالیم اسلامی، تکلیف دولت ایران و سایر اتباع آن را در تعامل با این اقلیت‌ها تا حدودی روشن می‌کند. مقرر دیگر تبصره یک ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که از سوی قانون‌گذار عادی وضع شده و از غیرمسلمانانی سخن گفته است که ذمی، مستأمن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند و آنان را در "حکم مستأمن" قرار داده است.

طبق رای مشهور، محدود است. بر این اساس، صدق عنوان معاهد - به معنای اتباع دولتی که با آن ترک مخاصمه شده است - بر ایرانیان غیرمسلمان، اعم از شناخته شده و شناخته نشده نیز منتفی است.

۳. امان

تنها وضع محتمل تطبیق بر ایرانیان غیرمسلمان در وضع کنونی همان "مستأمن" است. از نظر فقهی، اثر امان در دو مورد قابل تطبیق است: وجود امان و وجود شبهه امان. حالت اول را می‌توان امان واقعی و حالت دوم را امان ظاهری یا امان حکمی نامید.

۱-۳. امان واقعی

چنانچه بین غیرمسلمان حربی و شخص ذی صلاح، قرار امان

بررسی فقهی وضعیت غیرمسلمانان ایرانی با مراجعه به آثار فقیهان امامیه می‌توان دریافت ارتباط میان حکومت اسلامی و غیرمسلمانان حاضر در دارالاسلام از نظر مشهور بر سه مبنای قراردادی «ذمه»، «هدنه» و «امان» استوار است:

۱. ذمه

ذمه قراردادی است که بین حاکم اسلامی و اهل کتاب منعقد می‌شود و مورد آن در جایی است که جهاد ابتدایی به فتح منجر می‌شود و حاکم اسلامی؛ ساکنان سرزمین فتح شده را بین پذیرش اسلام با انعقاد قرارداد ذمه مخیر می‌کند و آنان انعقاد قرارداد ذمه را می‌پذیرند. نخست انعقاد این قرارداد منوط به وقوع حرب و فتح است؛ دوم، فقط حاکم اسلامی یا نایب او می‌توانند این قرارداد را منعقد کنند، سوم، فقط اهل کتاب می‌توانند طرف این قرارداد باشند، چهارم، شرط صحت قرارداد ذمه تعهد پرداخت جزیه و التزام اجرای احکام اسلامی است. با این اوصاف، قطعاً اقلیت‌های شناخته‌نشده را نمی‌توان ذمی یا اهل ذمه دانست زیرا هیچ یک از شرایط اهل ذمه در مورد آنان وجود ندارد.

۲. هدنه

معاهده، مهاده یا هدنه، قرارداد بین حاکم اسلامی و غیرمسلمانان برای ترک جنگ به مدت محدود پس از وقوع جنگ یا در آستانه وقوع آن است. به غیرمسلمانانی که قوم آنان با حاکم اسلامی قرارداد هدنه منعقد کرده‌اند، معاهد اطلاق می‌شود. نخست انعقاد این قرارداد منوط به وقوع حرب یا خطر آن است؛ دوم، طرف این قرارداد غیرمسلمانان دارالحرب هستند نه غیرمسلمانان حاضر در دارالاسلام؛ سوم، فقط حاکم اسلامی یا نایب او می‌توانند این قرارداد را منعقد کنند؛ چهارم، این قرارداد باید مدت داشته باشد و مدت آن نیز



وجود داشته باشد با وضعیت امان واقعی مواجه هستیم. در خصوص عقد یا ایقاع بودن امان سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاهی که امان را عقد می‌داند، دیدگاهی که امان را یک ایقاع مشروط به عدم رد می‌داند، دیدگاهی سومی که امان را هم به صورت عقد و هم به صورت ایقاع قابل انعقاد می‌داند. به نظر می‌رسد که ایقاع بودن امان اقواست، زیرا امان عبارت از «تعهد سلامت شرعی شخص غیر مسلمان و یا متعلقات وی در دارالاسلام» است و دلیلی بر عقد بودن آن یعنی جزئیت قبول در تحقق آن وجود ندارد. حاصل آن‌که اثر امان، مصونیت شرعی متعلق امان، اعم از نفس مستأمن و متعلقات وی است و وفای به آن، معنایی جز شناسایی شرعی حق برای مستأمن در خصوص متعلق امان ندارد. بنابراین، اگر پذیرش مصونیت شرعی جان، عرض و مال غیرمسلمان در دارالاسلام ممکن نباشد، امان لغو است و لذا می‌توان نتیجه گرفت پذیرش چنین مصونیتی مانع شرعی ندارد.

۲-۳. امان حکمی

امان به هر علت، ممکن است باطل بوده و غیرمسلمان حربی نیز آگاه به بطلان نباشد یا اساساً امانی در بین نباشد و فقط حربی، به هر علت توهم امان کرده و وارد دارالاسلام شده باشد. در تمام این موارد که از آن به شبهه امان تعبیر می‌شود، وضعیت حربی به حکم شرع؛ همان وضعیت مستأمن است. با وجود این به نظر می‌رسد که وضعیت ایرانیان غیرمسلمان فراتر از امان حکمی است، زیرا شناسایی یا اعطای تابعیت از سوی دولت اسلامی، تضمناً یا التزاماً، بر امان واقعی دلالت می‌کند و حداقل مفاد آن، مصونیت شرعی و حقوقی جان و متعلقات اتباع در حدود قوانین و مقررات جاری

کشور اسلامی است. علی‌ای حال؛ ایرانیان غیرمسلمان، اعم از کتابی و غیر کتابی، با توجه به اختلاف آراء، مستأمن یا در حکم مستأمن محسوب می‌شوند. البته درجه مصونیت جان اقلیت‌های دینی مستأمن و متعلقات آنان از نظر فقهی، با درجه مصونیت مسلمانان یکسان نیست لکن این امر، نافی اصل مصونیت و بهره مندی آنان از حقوق انسانی نیست.

■ وضعیت حقوقی ایرانیان غیرمسلمان

مصادیق ادیان اصل ۱۳ ق.ا. به صورت حصری بیان شده است. با این حال ق.ا. به عنوان میثاق ملی باید

حقوق و تکالیف سایر ایرانیانی را نیز که پیرو ادیان مقرر در اصل ۱۳ قانون نیستند، روشن می‌کرد. از این رو اصل ۱۴ ق.ا. پس از درخواست «صابئین و گروهی دیگر» از مجلس خبرگان در این قانون گنجانده شد.

■ اصل ۱۴ ق.ا.:

غرض از بررسی اصل ۱۴ ق.ا. شناخت مبانی اساسی سازی حقوق اقلیت‌های شناخته نشده در ق.ا. است. در خصوص موضوع این اصل توجه به این نکته ضروری می‌نماید که آیا این اصل با توجه به سابقه تاریخی آن، به ایرانیان صابئی اختصاص دارد؟ در عدم اختصاص این اصل به ایرانیان صابئی نباید تردید روا داشت، زیرا از حیث اصولی، عموم عبارت مناط اعتبار است و مورد، مقید محسوب نمی‌شود. بنابراین، اصل ۱۴ ق.ا. شامل همه ایرانیان غیرمسلمان خارج از اصل ۱۳ آن قانون می‌شود.

بر فرض عدم اختصاص اصل به صابئین ایران، در زمینه اینکه این اصل فقط شامل ایرانیان غیرمسلمان است یا بیگانگان غیرمسلمان را نیز شامل می‌شود در مجلس خبرگان، نگاه واحدی وجود نداشته و عده‌ای بر شمول اصل نسبت به همه غیرمسلمانان و عده‌ای بر اختصاص آن به ایرانیان تاکید کرده‌اند.

اصل ۱۴ ق.ا. اصل لزوم تعامل بر مبنای اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی و رعایت حقوق انسانی در مقابل این دسته از اقلیت‌های دینی را به رسمیت شناخته است.

اما تفاوت حقوقی ایرانیان غیرمسلمان شناخته شده و شناخته نشده چیست؟

اصل ۱۳ ق.ا. ضمن شناسایی وجود ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به آنان پنج حق مخصوص اعطا کرده است. (اصل آزادی اظهار دینت و احترام به آن، اصل آزادی انجام مراسم دینی، اصل رعایت احوال شخصیه بر اساس قواعد دین متبوع و همچنین طبق اصل ۶۴ ق.ا. اقلیت‌های دینی شناخته شده حق نمایندگی در مجلس شورای اسلامی را دارا هستند.) درحالی‌که وجود سایر ایرانیان غیرمسلمان را رسماً شناسایی نکرده و حقوق خاصی نیز برای آنان مقرر نکرده است.

اصل ۱۳ ق.ا. ضمن شناسایی وجود ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به آنان پنج حق مخصوص اعطا کرده است.

بنابراین، متدینان به ادیان شناخته شده در عمل می‌توانند وابستگی دینی خود را اظهار و در مقام استیفای حقوق ملی خود مانند حق تشکل و اجتماع، از آن بهره برند و دولت نیز باید در اقدامات خود به اقتضائات این شناسایی تن دهد لکن سایر غیرمسلمانان از این موقعیت بهره مند نیستند گرچه می‌توانند بدون اظهار دینت، حقوق ملی خود را استیفا کنند.

تبصره «ا» ماده ۳۱۰ ق.ا.:

مطابق این تبصره: غیرمسلمانانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده‌اند، در حکم مستأمن هستند. مقنن ایران، برای نخستین بار پس از مشروطه، وجود ایرانیان غیرمسلمان را که ذمی، مستأمن و یا معاهد نیستند شناسایی کرده و آنان را مطلقاً در حکم مستأمن قرار داده است. در هر حال مفاد این تبصره شامل اقلیت‌های دینی شناخته نشده در ق.ا. هم می‌شود. قطعاً نمی‌توان گفت که به موجب این تبصره، حقوق پنج‌گانه مذکور برای اقلیت‌های شناخته شده برای اقلیت‌های شناخته نشده نیز در نظر گرفته شده است. بنابراین به نظر می‌رسد که این شناسایی اثری بالاتر از آزادی اظهار دینت آن هم به صورت محدود ندارد. به این معنا که ایرانیان غیرمسلمان غیر کتابی می‌توانند انتساب خود به ادیان شناخته نشده را فقط در حد انتساب به سایر ادیان نه یک دین یا فرقه خاص ابراز کنند و دولت نیز مکلف است اقتضائات آن را در اموری مانند ثبت احوال، سرشماری عمومی و فراخوان‌های عمومی رعایت کند. {۱}





بررسی تاثیر فقر بر ارتکاب جرم با نگاهی به فیلم شهر خدا

محمد شادپور

دانش‌آموخته مقطع کارشناسی حقوق از دانشگاه گیلان
amir.m3161@gmail.com

مقدمه

فقر را می‌بایست به دیده‌ی یک معلول در نظر گرفت. معلولی که همواره دارای چند علت است. علوم مختلف از زوایا و رویکرد خاص خودشان به این پدیده نگرینسته و به نتایجی رسیده‌اند. اگر حاکمیت و جامعه علمی به دنبال فهم عوامل جرم‌زا و متعاقب آن جلوگیری از پیدایش و تکرار جرم است، باید ابعاد متعدد جرم را زیر ذره بین گذارد تا ریشه‌های حقیقی جرم را دریابد. همچنین لزوماً یک پدیده اجتماعی مانند جرم ناشی از یک علت نیست و نباید به دنبال رابطه علیت تامه بود بلکه هر یک از عوامل اجتماعی در آن موثر است. در جامعه شناسی جنایی یکی از مباحثی که همواره مورد توجه قرار می‌گیرد بررسی عوامل بزه‌زا است. نگاه تک بعدی به موضوع و صرف محاکمه بزهکار دردی را دوا نخواهد کرد بلکه این تسلسل ادامه خواهد داشت زیرا عوامل بزه‌زا مفعول واقع گشته است. حال اگر این عوامل مورد شناسایی و درمان قرار نگیرد، شاهد رشد روزافزون تعداد بزهکاران خواهیم بود. آن‌چه که در این نوشتار به دنبال آنیم بررسی عوامل اقتصادی موثر علی‌الخصوص عامل فقر بر ارتکاب جرم است و در صدد این نخواهیم بود که تنها یک نسخه برای پیدایش جرم صادر کنیم بلکه تنها بر یکی از عوامل اجتماعی - اقتصادی دست می‌گذاریم. اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که در دیدگاه

اقتصادی، رویکرد به بزه و بزهکار از باب «هزینه - فایده» است یعنی اگر منفعت از هزینه فزونی داشته باشد، ارتکاب جرم به صرفه خواهد بود.

تعریف فقر

برای ارائه تعریفی از فقر ناگزیریم که فقر را به دو دسته مطلق و نسبی تقسیم نماییم: فقر مطلق بر پایه معیشت است و به معنای شرایطی است که برای حفظ و تداوم یک زندگی سالم جسمانی لازم است. فقر نسبی نیز یک تعریف فرهنگی دارد و نباید به دنبال یک استاندارد جهانی بود چرا که ممکن است میزان توسعه و نیازهای بشری در هر نقطه‌ای از جهان متفاوت باشد. اصولاً در محاسبه فقر نسبی افراد سطح زندگی خود را با سطحی دیگر مقایسه می‌کند و بدین شکل فقر نسبی معنا می‌یابد.

تاثیر فقر بر بزهکاری در مکاتب جرم‌شناسی

۱. مکتب سوسیالیسم: در این مکتب ریشه تمام جرایم تنها در فقر و بی‌عدالتی در توزیع ثروت، دانسته شده است و به خصوص به نقد نظام سرمایه‌داری می‌پردازد. البته به نظر می‌رسد این دیدگاه جرم‌انگارانه است و نمی‌توان علت هر چیزی را در فقر دانست و همچنین تجربه‌ی جوامع اشتراکی نیز موید عدم موفقیت این نظر می‌باشد.

۲. مکتب تحقیقی: در این مکتب نیز جنایتکاران به پنج دسته تقسیم می‌شوند که تنها در دسته‌ی بزهکار اتفاقی است که به تاثیر فقر در ارتکاب جرم توجه شده است و معتقد است که اتفاقاً به دلیل عوامل

اجتماعی است که شخص مرتکب جرم می‌شود و به جای مجازات نمودن او باید در عوامل موثر دست برد و آنان را تصحیح نمود.

التهیه، در حالی مکتب سوسیالیسم برای نقش عوامل اقتصادی در وقوع جرم نهایت اهمیت را قائل است و معتقد است ریشه کلیه جرایم را باید در عوامل اقتصادی جستجو کرد، مکتب تحقیقی اعتقاد دارد وقوع جرم نتیجه انحصاری یکی از عوامل انسانی، اجتماعی یا اقلیمی نیست. درست است که هنگام ارتکاب هر بزه خاص، یکی از عوامل بر عوامل دیگر فزونی و برتری دارد؛ ولی امتزاج و ترکیب هر سه عامل برای ارتکاب بزه ضروری است.

بررسی همبستگی فقر و جرم

از مکتب‌ها که گذر کنیم پرسشی مطرح خواهد شد که آیا همبستگی میان فقر و جرم وجود دارد؟ بسته به نوع جرم تاثیر فقر در ارتکاب آن جرم نیز متفاوت خواهد شد. به نظر نگارنده جرایمی مانند جرایم مربوط به مواد مخدر و سرقت از جرایمی هستند که به طور مستقیم از عوامل اقتصادی تاثیر می‌پذیرند به گونه‌ای که ضریب ارتکاب سرقت مقرون به آزار و یا سرقت مسلحانه در جامعه‌ی فقیر و دچار تورم بسیار بیش‌تر است. در سایر جرایم ممکن است این تاثیر غیرمستقیم باشد به عنوان مثال فقر و بیکاری سبب خواهد شد افراد مرتکب قتل، مزاحمت‌های خیابانی و اقداماتی علیه امنیت داخلی شوند و یا به عضویت در گروه‌های سازمان‌یافته تبهکاری درآیند. همچنین تاثیر فقر بر

پیدایش سایر پدیده های اجتماعی قابل چشم پوشی نخواهد بود به عنوان مثال افزایش طلاق یا خودکشی.

به نظر می رسد فقر سبب ایجاد حس ناامنی نسبت به وضعیت آینده خواهد شد که همین امر می تواند ارتکاب جرم را برای بزهکار تسهیل نماید. به عنوان مثال، شخصی که دارای شغل مناسبی نمی باشد و درآمد وی محدود است و به عبارت دیگر داشته های محدودی دارد، در مقایسه با آرزو و خواسته های خود و عدم وجود دورنمایی روشن، تنها راه ممکن برای رفع این خلاء را ارتکاب جرایمی می داند که او را به ثروت برساند. به نظر می رسد سرقت، جیب بری، فروش مواد مخدر، اخاذی، آدم ربایی من جمله جرایمی است که او در بین گزینه های خود دارا می باشد.

در تحلیل اقتصادی حقوق، گری بکر معتقد است که افراد زمانی دست به ارتکاب جرم می زنند که هزینه ی ورود به آن فعالیت مجرمانه کم تر از منافع و فواید آن باشد فلذا شخص بزهکار به مثابه ی انسانی است که در بازاری حضور دارد و جهت خرید کالا یا خدماتی به تحلیل هزینه - فایده می پردازد و ارزش آن را می سنجد، او نیز برای ارتکاب جرم به تحلیل خواهد پرداخت و در نهایت ممکن است که جرمی را مرتکب شود. وضعیت اقتصادی موجود به گونه ای شده است که

چه بسا نزد بزهکار، ارتکاب جرم با وجود تمام هزینه ها و خطرات احتمالی، دارای ثمره افزونی باشد و حال شخص مدنظر اگر فایده و ثمره ارتکاب جرم را در مقایسه با خطری که او را تهدید می کند و هزینه هایی که ممکن است در پی داشته باشد، بیشتر تخمین زند به احتمال بالا مرتکب یک یا چند از جرایم می شود. حال بهتر است که بررسی آماری و عددی از میزان همبستگی بین فقر و جرم در ایران را پی بگیریم. آمارهای جرم در ایران حکایت از نوسانی بودن میزان جرم دارد؛ یعنی در دوره ای افزایشی و در دوره دیگر کاهش می باشد. آمار های منتشر شده از شاخص جرم از سال ۷۵ تا ۹۰ نشان می دهد که جرم سرقت از انواع گونه گون و جرایم مربوط به مواد مخدر روند افزایشی داشته است. از عوامل موثر در میزان نوسان عامل اقتصادی است که در کنار سیاست جنایی دولت نقش به سزایی در این امر داشت.

حال با توجه به این آمار موجود که البته روزآمد نمی باشد، می توان به بررسی وضعیت اقتصادی کشور در دهه اخیر پرداخت و مقایسه ای با این آمار ها داشت تا بتوان یک همبستگی میان فقر و جرم بیابیم. البته پیش بینی می شود که نرخ جرم سرقت و مواد مخدر در این دوره ده سال اخیر نیز افزایشی باشد چرا که معتقد به تاثیر فقر به عنوان یکی از عوامل موثر و مستقیم بر میزان جرایم ارتكابی می باشیم.

در کشورهای دیگر نیز آمار منتشر شده، همین امر را تایید می کند و به نظر می رسد این همبستگی عام الشمول باشد و در هر کشوری مصداق پیدا می کند. در یکی از تحقیقات صورت گرفته، نتایج حاکی از این است که بین توزیع درآمد و سرقت رابطه معناداری وجود دارد، به این صورت که با تشدید نابرابری درآمدی تعداد جرایم از نوع سرقت نیز افزایش داشته است. همچنین در تحقیقی که در پنجاه ایالت آمریکا

جدول ۱- روند نرخ برخی از جرائم طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

سال	اجرام جمعیت (میلیون نفر)	نرخ انواع سرقت	نرخ قتل	نرخ ضرب و جرح	نرخ دستگیرشدگان مرتبط با مواد مخدر
۱۳۷۵	۶۰/۶	۱۶۸/۱	۳/۴۹	۹۹/۸	۹۵/۴
۱۳۸۰	۶۴/۹	۲۵۰/۷	۴/۵۷	۱۲۳/۳	۱۷۴/۶
۱۳۸۵	۷۰/۴	۳۵۴/۵	۰/۷۶	۵/۳۶	۱۸۹
۱۳۹۰	۷۵/۱	۵۷۳/۷	۳/۴۵	۹۲/۱	۳۳۵/۵

منبع: مرکز آمار ایران طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

صورت گرفت نتیجه از این قرار بود که فقر و بیکاری رابطه مثبتی با سرقت همراه با آزار و استفاده از اسلحه دارد. همچنین در یک تحقیق طولانی و مفصل که بین سال های ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۰ در کشورهای در حال توسعه صورت گرفت، این نتیجه حاصل شد که افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ جرم سرقت را کاهش داده و نابرابری درآمدی سبب افزایش سرقت بوده است.

یکی از نظریات مطرح شده، نظریه رادیکال اقتصاد سیاسی است. طبق این نظریه چهار عامل موثر بر ارتکاب جرم وجود دارد که همه این عوامل در ارتباط یکدیگر قرار می گیرند و وابسته اند. این عوامل عبارتند از: فقر، تضاد طبقاتی، بیکاری، محرومیت نسبی. عامل محرومیت نسبی به تفاوت های گوناگون درآمدی در بین طبقات



مختلف جامعه توجه دارد. درجه محرومیت نیز از مقایسه ی بین خواسته ها و داشته ها حاصل می شود. هدف از ارائه این نظریه تطبیق این عوامل با آن چیزی است که قصه فیلم "شهر خدا" را رقم می زند. فیلم شهر خدا (city of god) روایت گر جامعه طبقاتی کشور برزیل - که در آن شکاف طبقاتی حرف نخست را می زند - است که در یکی از شهر های فقیر نشین آن گروهی از بزهکاران در آن زیست می نمایند و به نوعی ریشه دوانده اند. به گونه ای که کودکان و نوجوانانی که در آن شهر حاشیه ای حضور دارند، برای به دست آوردن پول و حتی طی نمودن بخشی از تکامل اجتماعی خویش، مشتاق به عضویت در یکی از گروه های متعدد فعال در شهر هستند. کارگردان این فیلم به مثابه ی یک محقق حدود

هشت سال به تحقیق پیرامون این موضوع پرداخت تا تصویری واقع گرایانه از فقر و خشونت به نمایش بگذارد. در یکی از سکانس ها که چهار نوجوان از هتلی سرقت می کنند، یکی از آن چهار نفر که سن کم تری نسبت به دیگران دارد پس از سرقت و گریز سایرین از هتل، در آن جا باقی می ماند و همه ی خدمتکاران و مراجعین را به قتل می رساند و پس از هر قتل، قهقهه می زند و گویا لذت می برد و این تمایل و لذت از

به قتل رساندن انسان ها، ریشه در جامعه و شهری دارد که در آن می زید. در ادامه که روایت کننده سرگروه یکی از گروه های بزهکار آن شهر است متوجه خواهیم شد که او همان پسر نوجوانی است که در هتل به قتل اقدام ورزیده بود. سیر تکامل او و تبدیل شدن وی به سرگروه با سکانسی به نمایش در می آید که وی به صورت مکرر به قتل دیگران پرداخته و به همراه هر قتل، بزرگ تر و اینگونه به قدرت اصلی شهر تبدیل شده است. داستان شهر خدا - شهری که به جای خدا، پول و قدرت و خشونت حاکم است - داستان فقر و بزه است. بزه هایی از هر نوع که در این شهر بی قانون جلوه پیدا می کنند. شهری که نزد نیرو های انتظامی فراموش شده است. یکی از فرضیه های مطرح شده در مقاله این بود که فقر تاثیر مستقیم و مشهودی بر ارتکاب جرم های سرقت و مربوط به مواد مخدر دارد که این فیلم مهر تاییدی بر آن می زند. البته در کنار

این تاثیر مستقیم شاهد تاثیر غیر مستقیمی از فقر بر سایر جرایم نیز هستیم. به عنوان مثال، گروه های بزهکار برای فروش و توزیع مواد مخدر و سرقت اموال، دست به قتل های متعددی می زنند و گاه نیز این قتل ها به اعضای گروه ها نیز می رسد یا به واسطه ی قدرتی که دارا می باشند به هر شخصی که میل داشته باشند بدون رضایت وی تجاوز می نمایند که در این فیلم شاهد وقوع این بزه ها می باشیم. از تاثیر فقر بر بزه مربوط مواد مخدر، می توان به سکانسی از فیلم اشاره کرد که در خانه ای که توزیع و فروش مواد مخدر صورت می گرفت، دوربین ثابت می ایستد و به صورت سریع، گذر ایام را در آن خانه نظاره گر می شویم که گروه های متعددی مسئولیت آن سکونت گاه را بر عهده می گیرند و در جهت رقابت، به

قتل یکدیگر اقدام می ورزند. در سکانس پایانی فیلم که به نظر می رسد مقصود اصلی کارگردان در آن جلوه پیدا می کند، شاهد تعدادی نوجوان زیر سن ۱۵ سال هستیم که پس از به قتل رساندن رئیس یکی از گروه های بزهکار که در شهر بسیار قدرتمند و توزیع کننده اصلی مواد مخدر بود، اسلحه به دست در شهر قدم می زنند و در کوچه های شهر از دیده نهان می گردند. آنچه که

برداشت می شود چنین است که این چرخه ی خشونت و فقر ادامه دارد و عدم وجود رفاه اجتماعی، فقدان امنیت، عدم حاکمیت قانون، کمبود نیروهای انتظامی، عدم نظارت بر شهر، فراموش شدن شهر توسط حکومت و وجود فقر گسترده سبب می شود که تازمانی که این عوامل حضور دارند این چرخه نیز حیات داشته باشد و ریشه ی مستحکم تری بدواند. محیط زندگی و شهری که در این فیلم نمایش داده می شود، به صورت بالقوه، زمینی حاصل خیز برای پیدایش و رشد این گروه های بزهکاری می باشد و اگر فرآیند جامعه پذیری و تکامل اجتماعی در کودکان و نوجوانان به صورت ناقص پیاده سازی شود، به شکل مادام العمر شاهد این بزه ها می باشیم چرا که هر نوجوانی برای نمایش مردانگی خود دست به قتل و سرقت و فروش مواد مخدر می زند زیرا اسوه و الگوی وی همان سرگروه های بزهکاری هستند. پول و قدرت و اعتبار در شهر معلول و ماحصل

داستان شهر خدا {شهری که به جای خدا، پول و قدرت و خشونت حاکم است} داستان فقر و بزه است. بزه هایی از هر نوع که در این شهری قانون جلوه پیدا می کنند. شهری که نزد نیروهای انتظامی فراموش شده است.

ارتکاب بزه و اتصال به گروه های بزهکاری است. آن فرد مدفون در فقر، کسب ثروت را در تحصیل و کار کردن نمی بیند بلکه در نزدیکی با گروه های بزهکار می بیند.

حال پس از بررسی و تحلیل اجمالی فیلم شهر خدا، به نظریه رادیکال اقتصاد سیاسی رجوع می کنیم. مدل رادیکال اقتصاد سیاسی بر روی عوامل اصلی سیاسی و اقتصادی - اجتماعی که منجر به جرم می گردند، متمرکز است. این نظریه بر ساختار های اقتصادی تاکید می نماید و جزء نظریات سطح کلان محسوب می شود. اگر پیرامون این چهار عامل شامل بورژوازی متوجه خواهیم شد که هر یک از عوامل تا حدودی در این روایت از شهر برزیل وجود دارد. سایه ی فقر و تضاد طبقاتی بر این شهر چیره شده است به گونه ای که با سوار شدن بر یک اتوبوس می توان به شهر های پر زرق و برق برزیل دسترسی داشت در حالی که در حاشیه همان شهر انواع بزه ها به عرصه ظهور می رسد و این فقر و محرومیت سبب شده است که هر یک از این افراد با مقایسه داشته ها و خواسته های خود پی به فقر و ناتوانی اقتصادی خود برند و برای جبران آن دست به ارتکاب جرم بزنند. این امر در تحلیل اقتصادی حقوق در بالا نیز ذکر شد. به نظر می رسد که در جهت کنترل میزان جرایم و پیشگیری از وقوع مجدد آن باید در سیاست های اقتصادی تجدید نظر نمود و بر کاهش میزان بیکاری و ریشه کن نمودن نسبی فقر گام برداشت. چرا که بدون مورد توجه قرار دادن عوامل اقتصادی در کنار سایر عوامل موثر بر پیدایش جرم، اجرای مجازات صرفا مبارزه با معلول است و مادامی که این علل در خاک ریشه داشته باشند شاهد ثمرات آن خواهیم بود و همچنان به صورت پیوسته آمار های مربوط به میزان جرایم، افزایشی خواهند بود.

{۲}، {۳}، {۴}، {۵}، {۶}، {۷}، {۸}.

آثار فسخ نامزدی در حقوق ایران

حنانه حاتمی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
hanahatami09@yahoo.com

الهام دانایی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
eldanaei5051@gmail.com

از دوران نامزدی تعاریف متفاوتی وجود دارد اما تعریف عرفی آن این است که دوره نامزدی با وعده ازدواج آغاز می شود و با عقد رسمی به پایان می رسد.

نامزدی عقدی جایز است و هر یک از طرفین می توانند از آن برگردد. ماده ۱۰۳۵ ق.م در این خصوص مقرر می دارد که وعده ازدواج ایجاد زوجیت نمی کند و آثار نکاح را به بار نمی آورد، زیرا ازدواج قراردادی مهم است و آثار خطیری دارد و قانونگذار به زن و مرد اجازه داده قبل از وقوع عقد رسمی به راحتی و بدون تشریفات از تصمیم خود برگردند.

در خصوص سوءاستفاده طرفین در حق به هم زدن نامزدی یا تقصیر یکی از طرفین و ورود خسارت به دیگری مسئولیت مدنی قابل طرح است. بند ۱ ماده ۴ قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ دعوی خسارت ناشی از به هم زدن نامزدی را به رسمیت شناخته است. اگر نامزد با علت موجه نامزدی را منحل کند مثلاً یکی از نامزد ها دارای فساد اخلاقی یا محکومیت کیفری و امثال آن باشد، در این موارد مسئولیتی متوجه کسی که نامزدی را به هم زده نیست؛ اما در صورت به هم زدن نامزدی بدون علت موجه، کسی که نامزدی را به هم زده دارای مسئولیت مدنی خواهد بود. اصل بر عدم تقصیر است، پس غیر موجه بودن به هم خوردن نامزدی را باید طرف مدعی ثابت کنند.

خسارت های قابل دریافت :

■ خسارت های مادی

بعد از وقوع نامزدی هر یک از طرفین یا اطرافیان به امید ازدواج در آینده مخارجی می کند. اگر یکی از نامزدها به تقصیر نامزدی را به هم بزند؛ مسئولیت جبران آن مخارج را دارد. البته مخارج باید در حد

متعارف باشند؛ مخارج متعارف از قبیل اجاره خانه، تهیه وسایل زندگی و غیره است. خرج هایی که خارج از حد متعارف هستند اما در رسومات محلی هستند در مواردی قابل مطالبه است.

■ خسارت های معنوی

۱. حال سوالی پیش می آید که آیا خسارات معنوی مانند تأثیرات روحی که برای نامزد از امتناع از وصلت حاصل شده یا هتک حرمت اجتماعی نامزد هم قابل مطالبه است؟

با توجه به مواد قانون مسئولیت مدنی می توان به این سوال پاسخ مثبت داد.

۲. سوال دیگری که مطرح می شود این است که خسارات معنوی چگونه ارزیابی می شود، اصلاً آیا می توان خسارات معنوی را تبدیل به پول کرد؟

در پاسخ باید گفت درست است که ضررهای عاطفی را با پول نمی توان جبران کرد اما به این دلیل نمیتوان از آن ها چشم پوشی کرد یا از جبران آنان خودداری نمود؛ البته هدف از جبران خسارات معنوی و مادی التیام خسارت دیده است.

■ هدایا

در طول نامزدی هدایایی بین طرفین و اطرافیان آن ها رد و بدل می شود و چند پرسش در این باره مطرح میشود:

۱. آیا می توان هدایا را بعد از به هم خوردن نامزدی استرداد کرد؟

ماده ۱۰۳۷ ق.م. به این پرسش پاسخ داده است: هر یک از نامزدها می تواند در صورت بهم خوردن وصلت منظور هدایائی را که به طرف دیگر یا ابویین او برای وصلت منظور داده است، مطالبه کند؛ اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایائی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می شود؛ مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.

۲. آیا انواع هدایا قابل استرداد است؟

در مورد هدایای مصرفی صرف شدنی

یعنی هدایایی که

می دانیم به

طور معمول از

بین می رود

مثل عطر

یا مثلاً چند

صندوق پرتقال

در صورت موجود

بودن می تواند آن ها را پس بگیرد، اما در صورت موجود نبودن نمی تواند قیمت آن را مطالبه کند، اما اگر نامزد بدون دلیل موجه نامزدی را به هم بزند و هدیه مصرف شدنی در دست خود داشته باشد در صورت موجود نبودن عین باید خسارت بپردازد و همچنین هدایایی که معمولاً پس از به هم خوردن نامزدی نگهداری می شوند موظف به پس دادن آن ها نیز هست. هرگاه بعد از به هم خوردن نامزدی این هدیه موجود نباشد، در صورت عدم تقصیر نامزد در تلف، ملزم به پرداخت خسارت نیست؛ اما در غیر این صورت و در صورت تقصیر، ملزم به جبران خسارت است و اثبات تقصیر بر عهده هدیه دهنده است در صورتی که این هدیه موجود نبود ملاک قیمت زمان مطالبه است.

۳. آیا هدایایی که یکی از نامزدها به شخص دیگری غیر از نامزد خود و ابویین او داده است نیز قابل استرداد است یا نه؟

با توجه به وحدت مالک، می توان هدایای اعطایی به اشخاص دیگر را نیز قابل استرداد دانست.

■ عکس ها

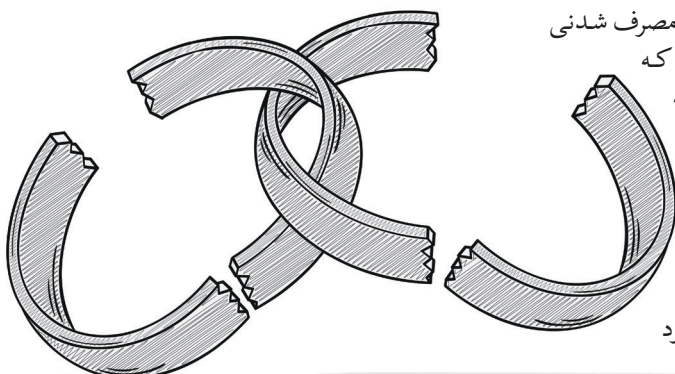
اگر هر یک از نامزدان عکس خود را به طرف دیگر داده باشد با توجه به این موضوع که عکس هم نوعی هدیه محسوب می شود در صورت موجود بودن عین عکس ها قابل استرداد هستند.

صحبت آخر اینکه آیا مطالبه خسارت در صورت فوت یکی از نامزد ها امکان پذیر است؟

اول آن که اگر کسی نامزدی را با سوءنیت و بدون دلیل موجه به هم بزند و باعث بروز خسارت بشود در صورت فوت این شخص خسارت از محل ترکه قابل مطالبه است.

و دوم آن که در صورت فوت یکی از نامزد ها امکان استرداد هدایایی که عین آن ها باقی اند وجود دارد؛ اما رجوع به قیمت هدایای تلف شده امکان پذیر نیست. (م. ۱۰۳۸ ق.م.)

{۹}، {۱۰}، {۱۱}



بررسی جرم اسیدپاشی به انضمام مجازات و پیامدهای گوناگون آن

هادی هنرمندراد

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
Hadi.honarmand.rad@gmail.com

تعریف جرم اسیدپاشی

جرم اسیدپاشی عبارت از «پاشیدن اسید و هر نوع ترکیبات شیمیایی خورنده که به قصد خراب کردن ظاهر، ضرب و جرح، شکنجه یا کشتن طرف مقابل باشد.» در سال‌های اخیر ارتکاب این جرم در ایران افزایش داشته است و قوانین ایران در مواردی برای بازدارندگی از این جرم کافی نیست. تولید و توزیع اسید در ایران آزاد بوده و لازم است محدودیت‌هایی در این زمینه اعمال شود؛ بالا بردن هزینه‌های اجتماعی جرم اسیدپاشی و مطرود شدن عاملین آن می‌تواند در زمینه جلوگیری از این جرم منشا اثر باشد.

دلایل حمله با اسید

برای حمله با اسید دلایل گوناگونی ذکر شده است. با توجه به اینکه اغلب قربانیان زن هستند یکی از علل اصلی رد عشق است که در آن پیشنهاد ازدواج یا رابطه جنسی رد می‌شود. همچنین اسیدپاشی به کودکان، به علت اختلاف خانوادگی و در مردان، به علت اختلاف سر پول، زمین و کلاهبرداری بوده است. عواملی مانند فقر و وضعیت بد اجتماعی در انجام این امر موثر هستند.

پیامدهای اسیدپاشی

الف) پیامدهای فیزیکی

شدت آسیب، بستگی به غلظت اسید و مدت زمان تماس آن با پوست قبل از شست و شو با آب یا عامل خنثی کننده دارد. معمولاً اسید موجب سوختگی درجه ۳ یا ۴ می‌شود. اسید به سرعت می‌تواند پوست، لایه چربی زیر پوست و در برخی موارد عضلات یا حتی استخوان‌ها را از بین ببرد. در بسیاری از بیماران بینایی لطمه جدی می‌خورد و حتی فرد نابینا می‌شود. علاوه بر چشم، گوش و بینی نیز از اعضای آسیب پذیر هستند که دچار صدمه جدی می‌شوند و حتی با جراحی نیز قابل بهبود نیستند. از عوارض بلند مدت قربانیان اسیدپاشی می‌توان به عفونت زخم، وارد شدن عفونت به خون و... نام برد.

ب) پیامدهای روانی اجتماعی و اقتصادی

گاهی عواقب روانی بسیار وخیم‌تر از پیامدهای جسمی می‌باشد و علاوه بر قربانی، در خانواده شخص و جامعه هم تاثیر می‌گذارد. در ابتدا

فرد به فکر نجات جان خود و زنده ماندن است؛ اما با گذشت مدتی متالم از بد شکلی و معلولیت، تنهایی، بی‌خوابی، افسردگی، کابوس و... می‌شود همچنین گزارش شده است که زنان اعتماد به نفس خود را در تعاملات اجتماعی از دست می‌دهند. علاوه بر موارد گفته شده به علت آسیب‌های جسمی و روانی، فرد نمی‌تواند شغل مناسبی در جامعه داشته باشد. بسیاری از زنان متأهل توسط شوهر خود ترک می‌شوند و آینده دختران مجرد نیز به زوال می‌رود. درمان‌های طولانی و هزینه‌های سنگین ناشی از آن از دیگر مشکلات اقتصادی قربانیان است.

آمار و تاریخچه اسیدپاشی در ایران

تا پیش از سال ۱۳۳۴ جرمی به نام اسیدپاشی در فرهنگ قضایی ایران، وجود نداشت. در سال ۱۳۳۴ پسر جوانی از سوی قاضی به زندان محکوم می‌شود؛ او پس از گذراندن دوران محکومیت، با انگیزه انتقام به صورت قاضی اسید می‌پاشد. اینگونه اولین جرم اسیدپاشی در ایران، به وقوع می‌پیوندد. از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۳ به مدت ده سال، حدود ۱۰۰ قربانی اسیدپاشی، منجر به صدمه جدی و رسانه‌ای می‌شوند. بیش‌ترین اسیدپاشی در تهران و سپس اصفهان صورت گرفته است. طبق مصاحبه با رییس بیمارستان سوختگی شهید مطهری، سالانه، شصت تا هفتاد نفر قربانی اسیدپاشی می‌شوند.

آمار اسیدپاشی، رو به افزایش است و بسیاری از حملات با اسید، مستند نمی‌شوند. خبرگزاری ایسنا از وقوع ۳۱۸ مورد اسیدپاشی در کشور خبر داد. در اسیدپاشی های سریالی شهر اصفهان در سال، ۱۳۹۳ در کم‌تر از ۷ ماه، یازده مورد اسیدپاشی گزارش شده است.

■ قانون مجازات

در بین حقوقدانان، درباره مجازات مرتکب اسیدپاشی اختلاف نظر وجود دارد؛ لیکن در ادامه نوشتار به تصریح موضوع با توجه به فتوای فقها و مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خواهیم پرداخت.

۱. قصاص اسیدپاش، بازدارنده‌ترین مجازات شرعی و قانونی

پاشیدن اسید، می‌تواند عمدی یا غیر عمدی باشد. در موارد غیر عمدی دیه یا ارش ثابت خواهد بود؛ مگر اینکه عمل مرتکب همراه با بی احتیاطی باشد که علاوه بر دیه یا ارش، مجازات تعزیری متناسب را نیز در پی خواهد داشت. در موارد اسیدپاشی عمدی هر یک از حالات ذیل حکم خاص خود را دارد:

الف) پاشیدن اسید به قصد مرگ قربانی جرم بوده و عملاً نیز موجب مرگ وی شده باشد. (قتل عمدی)
ب) مقصود از پاشیدن اسید مرگ مجنی علیه نبوده و نوعاً نیز موجب مرگ نمی‌شده است؛ لیکن موجب

مرگ مجنی علیه شده است. (قتل شبه عمد)
ج) پاشیدن اسید به قصد قتل نبوده و منتهی به قتل هم نشده است.

الف) اسید پاشی منتهی به قتل عمد اگر اسیدپاشی مصداق قتل عمدی باشد، مرتکب به قصاص نفس محکوم می‌شود قتل در صورتی عمدی خواهد بود که مطابق ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی، مرتکب قصد کشتن مجنی علیه را داشته یا فعل او (پاشیدن اسید) به نحوی باشد که با توجه به نوع اسید، وضعیت جسمانی مجنی علیه و شرایط زمانی و مکانی وقوع، جنایت نوعاً موجب مرگ شود. در چنین مواردی اگر شرایط عمومی قصاص نفس (ماده ۳۰۱ ق.م.ا) وجود داشته باشد اولیای دم می‌توانند مرتکب را قصاص کنند. مشروعیت قصاص مرتکب در این حالت مورد اتفاق تمامی فقها و حقوقدانان است و در آن اختلافی نیست.

ب) اسیدپاشی منجر به قتل شبه عمد با تمسک به قانون مجازات اسلامی، که با توجه به فتوای برخی از فقیهان تدوین شده است و هم اکنون قانون لازم الاجرا است؛ باید گفت در صورتی که هدف مرتکب از پاشیدن اسید مصدوم کردن وی باشد و فعل او نیز غالباً و عادتاً غیر کشنده باشد ولی با این وجود تصادفاً موجب مرگ قربانی شود اولیای دم می‌توانند نسبت به جنایات کم‌تر از نفس که مصداق جنایت عمدی است مرتکب را قصاص عضو کرده و نسبت به قتل نیز دیه نفس مطالبه کنند.

ج) اسید پاشی منتهی به جنایت عمدی کم‌تر از نفس

بر اساس قواعد کلی باب قصاص، در صورت وجود شرایط، با تقاضای مجنی علیه یا ولی او اسیدپاش حسب مورد قصاص خواهد شد. شرایط قصاص نفس در ماده ۳۰۱ ق.م.ا و شرایط قصاص عضو در ماده ۳۹۳ ق.م.ا بیان شده است. بر اساس این ماده علاوه بر شرایط مذکور در قصاص نفس وجود شرایط ذیل نیز برای قصاص ضروری است:

۱. محل عضو مورد قصاص با مورد جنایت، یکی باشد.
۲. قصاص، با مقدار جنایت یکی باشد.
۳. خوف تلف مرتکب یا صدمه بر عضو دیگر نباشد.
۴. قصاص عضو سالم، در مقابل عضو

ناسالم نباشد.

۵. قصاص عضو اصلی، در مقابل قصاص عضو غیر اصلی نباشد.
۶. قصاص عضو کامل، در مقابل قصاص عضو ناقص نباشد.

از موارد شش گانه بالا برمی‌آید که مقدار قصاص نباید بیش از مقدار جنایت باشد (مؤید این ادعا ماده ۴۰۰ ق.م.ا می‌باشد). در مواردی که رعایت طول و عرض امکان پذیر نبوده لکن امکان اجرای قصاص به کم‌تر از مقدار وجود داشته باشد می‌توان جانی را قصاص کرد. این امر در بحث قصاص اسیدپاش و مانند آن که امکان تساوی دقیق، مشکل می‌باشد، کارگشا است. نکته مهمی که در اینجا باید بدان توجه کرد آن است که در مقررات قصاص و آیات ناظر به آن از اسراف و زیاده روی در قصاص اجتناب، و اعتدال به مثل مورد تاکید قرار گرفته است. در موارد اسیدپاشی مجنی علیه یا ولی او می‌تواند برای اطمینان از اینکه قصاص بیش از جنایت صورت نگیرد جانی را به مقداری کم‌تر از جنایت قصاص کند. همچنان که می‌توان برای فرار از محذور ترس از تلف مرتکب یا ترس از سرایت (در قصاص اعضا) ترکیبات شیمیایی را قدری ضعیف‌تر تا اطمینان عدم صدمه به سایر اعضا محرز شود.

۲. تحقق عنوان محاربه در جرم اسیدپاشی درباره عناصر تشکیل دهنده جرم محاربه میان فقیهان اختلافاتی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

الف) آیا به کارگیری سلاح، شرط لازم برای تحقق جرم محاربه است یا اعمال زور در تحقق محاربه کافی است؟

ب) سلاح، منصرف به شمشیر و ابزار جنگی است یا دارای مفهومی عام و شامل هر آلت قتاله ای می‌شود؟

ج) آیا برای تحقق جرم محاربه، در عمل لازم است ترس و وحشت ایجاد شود؟ یا صرف داشتن این قصد عنوان مجرمانه محقق می‌شود؟

در ادامه با عنایت به قانون مجازات اسلامی، ضمن بررسی جرم محاربه و ارکان آن به این اختلافات فقهی نیز می‌پردازیم.

الف) عناصر تشکیل دهنده جرم محاربه ماده ۲۷۹ ق.م.ا جرم محاربه را اینگونه تعریف می‌کند:

محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط

گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.

مطابق ماده مذکور تحقق محاربه منوط به دو شرط است: نخست به کارگیری سلاح و دوم ایجاد ناامنی

۱. به کارگیری سلاح

سؤال احتمالی که مطرح می شود:

آیا ترکیبات اسیدی نیز سلاح تلقی می شود؟ غالباً تصور می شود که اسلحه، تنها بر مصادیقی چون تفنگ، شمشیر و مانند آن که در جنگ به کار می روند صدق می کند؛ و اسید که نوعی مایع شیمیایی است در بر نمی گیرد. این نظر نادرست است و اسلحه علاوه بر مشتقات ساخته شده از آهن بر مایعات و گازها نیز صدق می کند.

سلاح های گازی، میکروبی و شیمیایی از مخرب ترین سلاح ها هستند بنابراین در مقررات کنونی و متون فقهی مفهوم عامی از عنوان اسلحه مورد نظر است.

از طرفی "قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز" موارد ذیل را مصادیق اسلحه می داند:

۱. گاز های بی حس کننده
 ۲. مواد رادیو اکتیو
 ۳. مواد میکروبی
 ۴. مواد شیمیایی
 ۵. مواد محترقه و شوکرها
- بنابراین مفهوم عامی از اسلحه مورد نظر است.
۲. ایجاد ناامنی و سلب امنیت

با عنایت به صدر ماده ۲۷۹ ق.م.ا. ۱. عمل شخصی که اقدام به اسیدپاشی کرده و در جامعه رعب و وحشت ایجاد کرده مصادیق محاربه می باشد؛ هر چند هدف و غرض از پاشیدن اسید صرفاً مسائل شخصی و انتقام جویی باشد.

ب) مجازات اسیدپاش محارب
براساس ماده ۲۸۲ ق.م.ا. ۱: «حد محارب یکی از این چهار مجازات است: اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ، نفی بلد»
انتخاب یکی از مجازات های مذکور مطابق ماده ۲۸۳ ق.م.ا. ۱. در اختیار قاضی است. البته بنابر حکم عقل و سیره عقلا تناسب

بین جرم و مجازات باید در نظر گرفته شود.
۲. اسیدپاشی به مثابه افساد فی الارض
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقررات مربوط به افساد فی الارض را در کتاب حدود بیان کرده است.

ماده ۲۸۶ ق.م.ا. ۱. مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد:
هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اختلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد

براساس ماده مزبور اسیدپاشی که مصادیقی از جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد است در صورتی مصادیق جرم افساد فی الارض است که:

۱. فعل مرتکب به صورت گسترده بوده و عملاً موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور شود.

۲. فعل مرتکب به صورت گسترده بوده و موجب ناامنی شود.

۳. عمل مرتکب در حد وسیع و با ایراد خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد باشد.

به نظر می رسد ممکن ترین راهی که بتوان اسیدپاشی را مصادیق افساد فی الارض دانست آن است که فعل اسیدپاشی در حد وسیع صورت گرفته باشد و در عمل نیز موجب ناامنی جامعه یا ایراد صدمه جسمانی قابل ملاحظه بر قربانیان جرم شده باشد.

وضعیت پرداخت دیه

در مواردی که اسیدپاشی مشمول عنوان محاربه یا افساد فی الارض بوده و همچنین در مواردی که شرایط قصاص نفس یا عضو موجود نیست مرتکب مکلف به پرداخت دیه و ارش نیز خواهد بود.

نتیجه

مرتکب اسیدپاشی مطابق با مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورت وجود شرایط به قصاص نفس یا عضو محکوم خواهد شد، به علاوه اگر موجب ناامنی و ارباب عمومی شود مجازات محارب نیز درباره او ثابت خواهد بود. در صورتی که عمل به دفعات تکرار شده باشد مجازات افساد فی الارض نیز قابل اعمال خواهد بود. علاوه بر این در مواردی که مجرم تحت عنوان محاربه یا افساد فی الارض مجازات می شود نسبت به پرداخت دیه نیز مسئولیت دارد. {۱۲}، {۱۳}، {۱۴}



ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنجم یا شش محکوم می شود.

تحولات تقنینی اعاده حیثیت در حقوق کیفری ایران

هانیه پاک‌فر
دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
hpakfr@gmail.com

در حقوق جزا، تأسیسی تحت عنوان اعاده حیثیت وجود دارد که به موجب آن بزهکار بعد از آن که مجازات در مورد وی اجرا شد یا با شمول مرور زمان و گذشتن مهلت های قانونی دوباره بتواند از حقوق شهروندی بهره مند گردد؛ زیرا هدف راندن افراد از صحنه فعالیت اجتماعی نیست بلکه متناسب کردن است. شکی نیست که در محرومیت های تبعی ناشی از محکومیت کیفری فقط شخص بزهکار نیست که از تبعات سوء مالی و حیثیتی ناشی از برخی محرومیت های اجتماعی آسیب می بیند. از این رو مقنن باید پایانی برای اعمال این نوع محرومیت ها در نظر بگیرد. اهمیت این موضوع سبب شد سال ها پس از حذف مقررات ناظر بر این نهاد، بالاخره در اصلاحیه سال ۱۳۷۷ قانون مجازات اسلامی، نهاد مزبور دوباره احیاء گردد. اعاده حیثیت ترکیب دو واژه (اعاده) و (حیثیت) است؛ اعاده به معنی بازگردانیدن چیزی به جای خود است. حیثیت، مصدر جعلی و به معنی اعتبار و شوکت می باشد.

قانونگذار تاکنون در قوانین کیفری از اعاده حیثیت تعریفی ارائه ننموده و باید تعریف

این تأسیس حقوقی را در نظریات و نوشته های علمای حقوق و دکترین یافت. در تعاریفی که علمای حقوق از این تأسیس ارائه نموده اند می توان دریافت که دکترین حقوق، اعاده حیثیت را تأسیسی می

دانند که به شخص این امکان را خواهد داد تا اهلیت و موقعیتی را که بر اثر محکومیت جزایی از دست داده، بازیابد. بنابراین این

نهاد سبب می شود که فرد پس از تحمل مجازات یا شمول مرور زمان بعد از گذشت مهلت های قانونی، حیثیت از دست رفته خود را که با ثبت در سجل کیفری منجر به محرومیت او از حقوق اجتماعی شده است بازیابد. اعاده حیثیت را می توان نوعی اغماض و رأفت در مورد شخصی دانست که مجازات خویش را تحمل و رفتار نیک خود را در منصفه ثبوت گذارده است.

اعاده حیثیت انواعی دارد که عبارت اند از: اعاده حیثیت قضایی؛ به حکم دادگاه است و عبارت است از قاعده ای که اجازه می دهد شخص محکوم به مجازات، با حسن رفتار خود از طریق قضایی بتواند حکم بر رفع محکومیت به دست آورد.

اعاده حیثیت قانونی؛ به حکم قانون است و به جهت انقضای مدتی که قانون معین می کند بدون حکم محکمه، حیثیت مجرم اعاده خواهد شد.

اعاده حیثیت عرفی؛ در مورد هتک حیثیت معنوی افراد به صورت جبران خسارت معنوی بروز می کند

اعاده حیثیت تجاری؛ اعاده اعتبار تاجر ورشکسته است.

■ اعاده حیثیت در قانون ایران در قانون های مجازات عمومی ۱۳۰۴ و اصلاحی ۱۳۵۲

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ که اولین قانونی است که اعاده حیثیت را با اقتباس از قانون فرانسه وارد نظام حقوقی ایران کرد و این قانون به همراه متمم آن دارای ۲۸۹ ماده بود و در مبحث سوم طی مواد ۵۷، ۵۸ و ۵۹ به اعاده حیثیت اشاره داشت تا پیش از آن اعاده حیثیت، در حقوق ایران کامل ناشناخته بود. بعد از آن تحت تاثیر تحولات جدید در حقوق جزا و مکاتب

حقوقی، تغییراتی در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ داده شد که نتیجه آن، تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۷ خرداد ۱۳۵۲ بود که با بهره گیری از سیستم دفاع اجتماعی جدید، تغییرات بنیادی در برخی از زمینه ها ایجاد کرد. در این قانون فصل دهم طی مواد ۵۷ و ۵۸ به این تأسیس حقوقی پرداخته شده بود.

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ که اولین قانونی است که اعاده حیثیت را با اقتباس از قانون فرانسه وارد نظام حقوقی ایران کرد و این قانون به همراه متمم آن دارای ۲۸۹ ماده بود و در مبحث سوم طی مواد ۵۷، ۵۸ و ۵۹ به اعاده حیثیت اشاره داشت تا پیش از آن اعاده حیثیت، در حقوق ایران کامل ناشناخته بود.

■ اعاده حیثیت در مجازات تأدیبی و حبس جنحه ای

ماده ۵۷ ق.م.ع مصوب ۱۳۰۴؛ اعاده حیثیت را ۵ سال بعد از اتمام مجازات تأدیبی و به شرط نبود محکومیت جزایی مجدد قابل اعمال دانسته و آن را سبب محو سابقه از سجل کیفری محکوم علیه قرار داده بود. قانونگذار سال ۱۳۵۲ در ماده ۵۷ ق.م.ع؛ تأسیس مذکور را به طور صریح، قابل اعمال در جرایم عمدی دانسته بود که البته جز این نمی توانست باشد؛ زیرا در جرایم غیر عمد به دلیل نبود سابقه کیفری برای محکوم علیه، موضوع اعاده حیثیت وی نیز منتفی است. ضرورتی به تصریح این امر در ماده ۵۷ وجود نداشت. حبس تأدیبی در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ برای جرایم مهم و همچنین کوچک در نظر گرفته شده بود و مدت آن نیز در جرائم جنحه ای مهم، بیش از یک ماه و در جرائم کوچک از یازده روز تا یک ماه بود. با دقت به ماده ۵۷ ق.م.ع مصوب ۱۳۰۴ مشخص می شود شرط اعاده حیثیت در جرائم مشمول عبارت بود از: ۱. انقضای پنج سال از اتمام مجازات ۲. فقدان محکومیت جزایی جدید؛ زیرا بدیهی است محکومیت جدید کیفری نشان از اصرار فرد به ادامه ناسازگاری با جامعه را داشته و بیانگر عدم استحقاق بازگشت به اجتماع است. در زمان حاکمیت قانون مجازات عمومی مصوب سال ۵۲ مدت حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا سه سال بود و اگر کسی جرم عمدی از نوع جنحه ای مرتکب می شود پنج سال از تاریخ اتمام مجازات یا شمول مرور زمان به اعاده حیثیت نائل می گشت و آثار تبعی محکومیت زائل می گردید. البته مشروط بر اینکه محکومیت به جنایت با جنحه مؤثر نداشته باشد. قانون مجازات عمومی با اضافه کردن قید محکومیت قطعی در جرائم عمدی، جرائم غیر عمدی را محروم کننده حقوق اجتماعی ندانسته بود.

■ در جرائم جنایی

جرایم جنایی موضوع ق.م.ع مصوب ۱۳۰۴ مطابق ماده ۸ عبارت بودند از: جرائم با مجازات قانونی اعدام، حبس ابد، اعمال شاقه، حبس موقت با اعمال شاقه، حبس مجرد، تبعید و محرومیت از حقوق اجتماعی. شرط اعاده حیثیت در این دسته جرایم، انقضای ده سال از تاریخ اتمام مجازات و نیز فقدان محکومیت جنایی جدید بود. با تصویب قانون مجازات

عمومی سال ۵۲ مجازات های اصلی جنایت عبارت شدند از: اعدام، حبس دائم، حبس جنایی درجه یک از سه سال تا پانزده سال و حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال و در این قانون مجازات های حبس مؤبد با اعمال شاقه و حبس موقت با اعمال شاقه حذف گردید.

از جرم سیاسی در قانون جزا تاکنون تعریف مشخصی ارائه نشده است.

شرایط اعاده حیثیت در جرائم جنایی مطابق ماده ۵۷ ق.م.ع سال ۵۲ به شرح زیر عبارت بود از: عمدی بودن جرم، اجرای کامل مجازات و یا سقوط آن در مواردی چون مرور زمان یا عفو عمومی، انقضاء ده سال از تاریخ اتمام مجازات و عدم ارتکاب جنایت یا جنحه موثر جدید. در این ماده جرایم عمدی به صراحت قید گردید در حالی که لزومی به چنین تصریحی نبود زیرا اعاده حیثیت در جرایم غیرعمدی به دلیل فقدان قصد مجرمانه اساساً منتفی است. اثر اعاده حیثیت این بود که رأساً باعث زوال کلیه آثار تبعی محکومیت جزایی می گردید ولی در مورد مجازات های تکمیلی و اقدامات تأمینی اعاده حیثیت وقتی صورت می گرفت که مطابق تبصره ۱ از ماده ۵۷ قانون مذکور، اجرای آن انجام پذیرفته یا آن که مشمول مرور زمان شده باشد و در مورد گذشت شاکی جرائم قابل گذشت از زمان گذشت شاکی و توقف اجرای مجازات، محکوم علیه به اعاده حیثیت نائل می آمد.

اعاده حیثیت در جرائم سیاسی

از جرم سیاسی در قانون جزا تاکنون تعریف مشخصی ارائه نشده است. در واقع عناصر رکن مادی جرم سیاسی همان عناصر متشکله جرم عمومی است و تنها انگیزه ارتکاب جرم، وجه ممیزه جرم عمومی و سیاسی است. حقوقدانان برای تمیز جرم سیاسی و جرم عمومی دو ضابطه اصلی با توجه به هدف و آثار جرم و انگیزه بزهکار پیشنهاد کرده اند که منطقاً باید آنها را تلفیق کرد. مطابق ضابطه عینی؛ برای تعیین سیاسی بودن جرم به موضوع و نتیجه عمل توجه می کند بدون آنکه به انگیزه بزهکار توجه کنند. مطابق ضابطه ذهنی؛ طبق این ضابطه کسانی که مستقیماً به منافع دولت و حقوق ملت لطمه وارد آورده ولی از احساساتی مانند خودپسندی و جاه طلبی الهام گرفته اند بزهکار سیاسی قلمداد نشوند و به عکس همه کسانی که با اغراض سیاسی

بدون آنکه تامین نفع شخصی منظور آنان باشد مرتکب جرم شده اند. شرایط اعاده حیثیت شرایط کم و بیش مشابه در ماده ۵۹ ق.م.ع مصوب ۱۳۶۴ و ماده ۵۸ ق.م.ع مصوب ۱۳۵۲ پیش بینی شده بود. این شرایط در ماده ۵۸ قانون اخیرالذکر عبارت بود از: اول محکوم علیه باید مرتکب جرم سیاسی شود که اگر جرم سیاسی وصف جنحه ای داشته باشد یک سال و اگر وصف جنایی داشته باشد پنج سال از تاریخ اتمام مجازات با مشمول مرور زمان، مرتکب به اعاده حیثیت نائل خواهد گردید. دوم محکوم علیه نباید محکومیت جنحه ای یا جنایی موثر داشته باشد.

در قانون اسلامی سال ۱۳۶۱، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵

بعد از پیروزی انقلاب به دلیل استقرار نظام اسلامی قوانین می بایست با مقررات شرعی هماهنگ می شد که یکی از این تحولات مربوط به تأسیس اعاده حیثیت بود. با وجود اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی به اعاده حیثیت اشاره شد ولی ترتیب و چگونگی آن مشخص نگردیده است. اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرر می دارد؛ (هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مالی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله

دولت جبران می شود. در

هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.) البته این اصل با تغییراتی در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ بیان شده است. بنابراین در قوانین جزایی که بعد از انقلاب تصویب گردید، نه در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ و نه در قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ به اعاده حیثیت

در قوانین جزایی که بعد از انقلاب تصویب گردید، نه در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ و نه در قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ به اعاده حیثیت به عنوان ضرورت بازگشت محکوم عدیه به جامعه اشاره نشده است.

به عنوان ضرورت بازگشت محکوم عدیه به جامعه اشاره نشده است. زیرا طبق مقررات جزایی اسلام علی الاصول فردی که مجازات خود را تحمل می کند می تواند فوراً به جامعه بازگردد و مسأله اعاده حیثیت در قواعد شرعی مطرح نمی باشد و جز در موارد محدود اصولاً احکام کیفری اسلام فاقد آثار تبعی است. این در حالی بود که

قانون تعریف محکومیت های مؤثر سال ۶۶ با توجه به محکومیت های پیش بینی شده محرومیت هایی را به ویژه در زمینه مسائل شغلی برای محکومان ایجاد می کرد. تحمل کیفر نه تنها موجبات بازگشت فرد را به جامعه فراهم نمی کرد بلکه برخلاف موازین معقول و موجه عرفی موجب محرومیت دائمی از بعضی حقوق اجتماعی می شود. در طی این سال ها محکومان برای بازگشت به جامعه با مشکلات عدیده ای مواجه بودند اما در سال ۱۳۷۵ که قانون مجازات های تعزیری و بازدارنده تصویب گردید، قانونگذار در ماده ۶۹۸ لفظ اعاده حیثیت را در مورد نشر اکاذیب به کاربرد هرچند نحوه و چگونگی اعاده حیثیت را مشخص نکرد.

در اصلاحیه قانون مجازات اسلامی

مصوب سال ۱۳۷۷

بعد از حدوداً بیست سال کنار گذاشتن اعاده حیثیت از سیستم قانونی ایران در سال ۱۳۷۶ / ۷ / ۲۳ لایحه اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده به قانون مجازات اسلامی از طرف دولت تسلیم مجلس شورای اسلامی گردید. البته قانونگذار در این ماده نیز لفظ اعاده حیثیت را به کار نبرده و به جای آن زائل شدن اثر محکومیت کیفری، رفع اثر اجرای حکم و رفع آثار تبعی را عنوان کرده بود. یعنی نتایج حاصل از اعاده حیثیت را پذیرفته اما رسماً از پذیرش عنوان اعاده حیثیت خودداری کرده بود و سرانجام ماده ۶۲ مکرر در جلسه علنی ۱۳۷۷ / ۲ / ۲۷ به تصویب رسید.

محکومیت های مشمول اعاده حیثیت

باتوجه به ماده ۶۲ مکرر به نظر می رسد فقط پاره ای از محکومیت ها به سلب حقوق اجتماعی محکوم علیه منجر گردد که عبارت بودند از:

محکومیت به قطع عضو در جرایم مستوجب حد؛ که منحصر به دو مورد بود اولی قطع دست راست و پای چپ که یکی از مجازات های چهارگانه محاربه و افساد فی الارض بود و دومی، قطع انگشتان دست راست و پای چپ در جرم سرقت که محکوم را به مدت پنج سال پس از اجرای حکم از حقوق اجتماعی محروم می کرد و پس از انقضای این موت شخص به اعاده حیثیت نائل می آمد.

محکومیت به شلاق در جرایم مشمول حد:

مجازات شلاق برای جرائم حدی عبارت بود از: زناى پيرمرد زانى و پيرزن زانيه که دارای شرایط احصان نباشند، مرد متأهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود، زناى زن و مردی که دارای شرایط احصان نباشند، تفخیز، حد مساحقه، حد قوادی، حد قذف و حد شرب خمر، به ترتیب موضوع مواد ۱۴۰، ۱۳۸، ۱۲۹، ۱۲۱، ۸۸، ۸۷، ۸۴، و ۱۷۴ق.م. نکته قابل تأمل در این است که با وجود پیش بینی مجازات شلاق برای بعضی از جرائم تعزیری، قانونگذار محرومیت از حقوق اجتماعی را منحصر به شلاق حدی دانسته.

تعریف قانونی حقوق اجتماعی در این تبصره چنین بود: (... حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نه‌شده و سلب آن به موجب قانون یا دادگاه صالح باشد.)

محکومیت به حبس تعزیری بیش از سه سال که دو مورد متعددی در قانون پیش بینی شده بود. در این رابطه عده ای معتقدند که در اینجا ملاک، مجازات تعیین در حکم دادگاه است نه مجازات مقرر قانونی، همانطور که در ماده ۶۲ مکرر آمده بود محکومیت به حبس باید تعزیری باشد نه بازدارنده زیرا درباره مجازات بازدارنده، ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر کرده (... در هر حال آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد بود...)

محکومیت های ذکر شده به تصریح ماده ۶۲ مکرر، حقوق اجتماعی را از شخص محروم می نمودند. قانونگذار در تبصره یک این ماده حقوق را بر شمرده بود که با توجه به قید (از قبیل) در صدر تبصره به نظر می رسد حقوق اجتماعی مقرر در این ماده حصری نبود و مرتکب از سایر حقوقی هم که اجتماعی تلقی می شود و در این ماده ذکر نشده محروم می گشت. تعریف قانونی حقوق اجتماعی در این تبصره چنین بود: (... حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا دادگاه صالح باشد.)

شرایط و آثار اعاده حیثیت در ماده ۶۲ مکرر

اولین شرط تحقق اعاده حیثیت با توجه به ماده ۶۲ مکرر؛ اجرای حکم محکومیت نسبت به کسی است که محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی پیدا کرده است. بنابراین مرور زمان اجرای مجازات موجب اعاده حیثیت نمی گردید. در آزادی مشروط

با توجه به صراحت تبصره ۵ ماده ۶۲ فرد از زمان آزادی قطعی و گذشت مهلت های قانونی به اعاده حیثیت نائل می آمد. در مورد جرائم قابل گذشت اگر شاکی گذشت کند اجرای حکم متوقف

و اثر محکومیت کیفری زایل می گردد (تبصره ۳)، عفو عمومی که باعث الغاء محکومیت کیفری می شود همان اثرات و نتایج اعاده حیثیت را داراست ولی عفو خصوصی باعث زوال آثار محکومیت کیفری نمی شود مگر آنکه تصریح شده باشد (تبصره ۴) کسی که به موجب حکم قطعی به اعدام محکوم شود و محازات اعدام به جهاتی از جهات متوقف شود و در این صورت محکوم علیه نیز از تاریخ توقف اجرای حکم اعدام بعد از هفت سال به اعاده حیثیت نائل می شود. دومین شرط تحقق اعاده حیثیت انقضای مواعد قانونی است و منوط به سپری شدن مدت زمان معین پس از اجرای حکم یا توقف حکم می باشد که در این مدت زمان با توجه به محکومیت، یک دو، پنج و هفت سال است. مهم ترین اثر اعاده حیثیت محو سابقه محکومیت کیفری از سجل قضایی شخص بود که این نتیجه از ظاهر ماده ۶۲ مکرر قابل استنباط بوده و اثر دیگه اعاده حقوق اجتماعی محروم شده بود.

در قانون مجازات اسلامی ۹۲

مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ به مجازات تبعی و حقوق اجتماعی اشاره دارد. مطابق ماده ۲۵ و تبصره ۲ ماده ۲۶: برای محرومیت از حقوق اجتماعی می باید حکم قصاص صادره، اجرا یا مشمول مرور زمان گردد و حکم غیر قطعی محروم کننده از حقوق اجتماعی نیست. محکومیت قطعی در جرائم غیر عمدی، محرومیت از حقوق اجتماعی را در بر ندارد. با توجه به ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی حکم قطعی صادره نسبت به اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است. محکومیت های سالب حقوق اجتماعی با توجه به ماده ۲۵ عبارت اند از: ۱. محکومیت یافتن به مجازات سالب حیات: حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی؛ بنابراین هرگاه احکام مزبور به هر دلیلی اجرا نشوند شخص بعد از گذشت هفت سال می تواند حقوق اجتماعی را که از آن محروم شده دوباره بدست آورد مگر در

مورد بندهای الف، ب، پ، ماده ۲۶. منظور مقنن از توقف اجرای حکم، اعم از متوقف ماندن آغاز یا ادامه اجرای حکم، هر دو می باشد.

۲. محکومیت به قطع عضو: قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه منجی علیه باشد و نفی بلد و حبس تا درجه چهار محکوم علیه را سه سال از حقوق اجتماعی محروم می کند.

۳. محکومیت به شلاق حدی مانند ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۴۳، ۲۵۰ ق.م.ا و قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارده نصف دیه منجی علیه یا کم تر از آن باشد و نیز حبس درجه پنج که حبس بیش از دو تا پنج سال است شخص را دو سال از حقوق اجتماعی محروم می کند.

با مشاهده مواد ۲۵ و ۲۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و مقایسه آن با ماده ۶۲ مکرر الحاقی سال ۱۳۷۷ قانون مجازات اسلامی، تغییرات زیر به چشم می خورد: ۱. قانون مجازات مصوب ۹۲ علاوه بر آن که از اصطلاح (اعاده حیثیت) استفاده کرده، نتایج آن را نیز به صراحت پذیرفته. درکنار اجرای حکم شمول مرور زمان را پس از گذشت مواعد مقرر، قاطع محرومیت اجتماعی دانسته است.

۲. در ماده ۶۲ مکرر مصوب سال ۷۷: محکومیت های مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی عبارت بود از: قطع عضو در جرائم حدی، شلاق حدی و حبس تعزیری بیش از سه سال اما در قانون مجازات سال ۹۲ قانونگذار محکومیت های محروم کننده حقوق اجتماعی را افزایش داده است.

۳. به استناد ماده ۶۲ مکرر فقط محکومیت مذکور در این ماده محروم کننده از حقوق اجتماعی بوده است اما در قانون مجازات سال ۹۲ با توجه به تبصره ماده ۴۰، محکومیت هاق مؤثر همان محکومیت های محروم کننده از حقوق اجتماعی می باشد.

۴. ماده ۶۲ مکرر؛ مواعد یک دو، پنج و هفت سال را دوران گذار محکوم علیه از محرومیت تا اعاده حیثیت تعیین کرده که فرد میتواند از همه حقوق اجتماعی که از آن محروم شده بهره مند گردد، اما در قانون مجازات سال ۹۲ مهلت های هفت، سه و دو سال برای این منظور در نظر گرفته شده و بعد از پایان این مهلت ها همه حقوق اجتماعی به شخص اعاده نمی گردد و از برخی حقوق اجتماعی به طور دائم محروم می شود.

۵. تبصره ۱ ماده ۲۵ قانون مجازات سال ۹۲ موردی را مقرر داشته که از نوآوری های قانون جدید به شمار می رود. بر اساس تبصره یاد شده؛ در غیر از موارد مندرج در بندهای ماده ۲۵، محکومیت محکوم علیه با وجود درج در سجل کیفری وی، در گاهی صادره از مراجع ذی ربط، مگر به درخواست مراجع قضایی منعکس نمی شود. باتوجه به تصویب این تبصره لازم است مراجع استخدام و به خصوص مراکز صدور گواهی سوء پیشینه هماهنگ با این تبصره و ماده عمل کنند.

نکته ای که در قانون جدید به مانند قانون الحاقی سال ۷۷ جای تأمل دارد و آن عدم پیش بینی اعاده حیثیت برای مجرمین سیاسی است، شاید به دلیل فقدان تعریف و مصادیق قانونی از جرم سیاسی باشد.

■ شرایط و آثار اعاده حیثیت در قانون مجازات سال ۹۲

شرایط تحقق اعاده حیثیت

شرط اول، اجرای مجازات یا شمول مرور زمان است و منظور اجرای کامل محکومیت می باشد. دومین شرط، شرط زمانی و انقضای مهلت هایی است که قانونگذار آن را به عنوان دوران گذار محکوم علیه برای بازگشتن به جامعه و رفع محرومیت های اجتماعی قرار داده است.

آثار اعاده حیثیت

۱. زوال آثار تبعی محکومیت: اصولاً با اعاده حیثیت می بایست حقوق اجتماعی را که فرد به دنبال محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی از آنها محروم گردیده، دوباره به وی اعاده نمود. تبصره ۲ ماده ۲۶ بعضی از حقوق اجتماعی را قابل اعاده ندانسته که این امر با فلسفه و هدف اعاده حیثیت و عدالت قضایی سازگاری ندارد.

۲. محو سابقه محکومیت کیفری از سجل قضایی؛ ثبت اعاده حیثیت در سجل قضایی به معنای محو سابقه محکومیت کیفری است.

۳. به عنوان یک اثر فرعی، می توان به عدم شمول مقررات حاکم بر تکرار، نسبت به فعل مجرمانه جدید مرتکب که به لحاظ جرم ارتكابی قبلی، به اعاده حیثیت نائل آمده اشاره کرد. {۱۵}، {۱۶}

چالش های ساختاری نهاد وحدت رویه

ایسنزاری

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
Zareiyasnaw@gmail.com

وحدت رویه قضایی که جایگاه مهمی در نظام حقوقی ما دارد امروز با چالش های فراوانی روبرو است که برای لازم الاتباع بودن آنها رفع این چالش ها ضروری است.

نهاد آراء وحدت رویه با چالش های ساختاری متعددی مواجه است که جایگاه این آراء در سلسله مراتب هنجارها و ترتیبات قانونی تعریف شده برای مولفه های مختلف صدور شان ناشی می شود.

یکی از ایرادات نهاد صدور آراء وحدت رویه، مغایرت آن با قانون اساسی است. به نظر می رسد صدور آراء وحدت رویه به لحاظ تعرض به حوزه قانونگذاری مغایر با قانون اساسی است. با این حال در مقام رد این دیدگاه استدلال هایی قابل ارائه است. از جمله انکار ماهیت قانونگذاری آراء وحدت رویه. بنابراین اگر به ماهیت تقنینی آراء وحدت رویه قائل نباشیم، این ایراد منتفی است.

اما اینطور به نظر میرسد که ماهیت تقنینی آراء وحدت رویه غیر قابل انکار است همچنین می توان چنین استدلال کرد که هر چند آراء وحدت رویه دارای ماهیت تقنینی است اما این امر از الزامات انجام وظایف تعریف شده برای قوه قضاییه در قانون اساسی است. با فرض اینکه اصل ۱۶۱ قانون اساسی متضمن اعطای صلاحیت صدور آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور است با

توجه به ماهیت و آثار مترتب بر این آراء از حیث مداخله در امر قانون گذاری و الزام آور بودن آنها برای قضات، برخورداری مراجع قضایی از اختیار صدور چنین آرائی مستلزم تصریح مقنن اساسی است و از عهده قانونگذاران عادی خارج است.

یکی دیگر از چالش های ساختاری آراء وحدت رویه زمان لازم اجرا شدن آنهاست. در این خصوص گزینه های مختلفی از جمله از تاریخ اعلام نظر هیئت از زمان تنظیم و امضا، از تاریخ انتشار روزنامه رسمی و یا همچون قوانین لازم الاجرا شدن آراء وحدت رویه مستلزم گذشت ۱۵ روز از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی است؛ لازم به ذکر است که در ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در خصوص زمان لازم الاجرا شدن آراء وحدت رویه حکمی نیامده است اما ماده ۱۰۹ قانون مذکور، برای استنکاف مسئولان ذیربط از اجرای رای هیئت عمومی دیوان، پس از انتشار آنها در روزنامه رسمی مجازات تعیین کرده است.

از دیگر چالش های نهاد آراء وحدت رویه حدود اثرگذاری این آراء وحدت رویه بر گذشته است. به گفته یکی از حقوقدانان علی الاصول رای وحدت رویه ناسخ و ناقض آراء معارض نمی باشد و اثرات رای ماهوی را در خصوص مورد منتفی نمی سازد بنابراین نسبت به امور مختومه اثری نخواهد داشت اما تعمیم این نظریه در مواردی محل تردید و تأمل است.

در این خصوص لازم به توضیح است که به موجب قسمت اخیر ماده ۴۷۱ استثنایی بر قاعده بی اثری آراء وحدت رویه بر آراء قطعی شده اعمال شد که ناظر به تسری آراء وحدت رویه مساعد به حال محکوم علیه به آراء قطعی شده است. {۲۱}، {۲۲}

نقدی بر عدم تصریح صلاحیت علمی داور

مصطفی نصراسلمانی

دانش آموخته مقطع کارشناسی حقوق از دانشگاه آزاد اهواز
mostafanassarsalmanni@gmail.com

نهاد داوری در رویه و قانون کشور ایران از جایگاه مهمی برخوردار است و این بدلیل سابقه تاریخی داوری در ایران است. یکی از دلایل دوام داوری، وجود مزایای آن در حل و فصل اختلافات می باشد. اگر بخواهیم بصورت اجمالی به این مزایا اشاره کنیم باید به صرفه جویی در وقت، هزینه کم احقاق حق و دسترسی و... اشاره نمود.

تعریف داور

داوری در لغت به معنی رسیدگی است. علاوه بر این تعریف در علم ادبیات یکی از اسما خداوند متعال هم می باشد. اما در اصطلاح کسی است که برای داوری انتخاب شده است و داوری یا حکمیت عبارت است از فصل خصومت توسط یک یا چند نفر به طریق فصل خصومت قضات های دادگاه های رسمی.

تاریخچه ای کوتاه از داوری در ایران

داوری در ایران با ظهور اسلام بوجود نیامده بلکه توسط شارع مقدس امضا شده است و جزء قوانین امضایی محسوب می شود نه تاسیسی؛ البته اینجا منظور اصل داوری می باشد در تاریخ ایران هم قبل از اسلام باتوجه به شواهد تاریخی در سه سلسله هخامنشی، اشکانی و ساسانی وجود داشته است و بعد از ظهور اسلام شارع مقدس در قرآن کریم صراحتاً در آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء به اصل داوری اشاره نموده است: **وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا** (آیه ۳۵ سوره نساء)

و اگر از (ناسازگاری و) جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوری از خانواده‌ی شوهر و داوری از خانواده‌ی

زن برگزینید (تا به اختلاف آن دو رسیدگی کنند) اگر این دو بنای اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو را به توافق می‌رساند، زیرا خداوند، (از نیات همه) باخبر و آگاه است.

گرچه این آیه مبارکه صریحاً به داوری در تمام امور اشاره ندارد و به بحث داوری در خانواده اشاره دارد لکن با عنایت به اینکه «مورد مخصوص نیست» می‌توان برای حل همه مشکلات، داور انتخاب کرد در تبیین بهتر این موضوع که از استفاد این آیه ارجاع به داوری به تمام امور را می‌توان برداشت کرد. در سوال اعتراضی که از امام باقر علیه‌السلام در خصوص مبنای پذیرش حکمیت در صفتین برای حضرت علی علیه‌السلام بود و امام در پاسخ این آیه را تلاوت فرمودند. (تفسیر نورالثقلین و احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۸)؛ البته امروزه به صراحت ماده ۴۹۶ قانون آئین دادرسی مدنی در دعاوی مربوط به ورشکستگی، اصل و فسخ نکاح، نسب و طلاق قابل ارجاع به داوری نیست.

صلاحیت علمی حقوقی داور

علاوه بر موارد ذکر شده به عنوان سابقه داوری در تاریخ ایران و قرآن کریم در حقوق موضوعه هم قانونگذار در ماده ۴۵۴ قانون آئین دادرسی مدنی صریحاً به بحث داوری ارجاع داده است: کلیه اشخاصی که

اهلیت اقامه دعوا را دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، با داوری یک یا چند نفر ارجاع بدهد.

با توجه به این ماده پی می‌بریم که داوری در حقوق موضوعه در ایران با تراضی طرفین صورت می‌گیرد حال که طرفین توافق بکنند آیا می‌توانند هر شخصی را به عنوان داور برگزینند؟ اگر بصورت منطقی و عاقلانه به این بحث نگاه کنیم قطعاً جواب خیر است چرا که حکمی که داور صادر می‌کند در حکم قاضی است و نمی‌توان هر کسی را به عنوان داور برگزید. در قانون آئین دادرسی مدنی هم در ماده ۴۶۶ و ۴۷۰ در همین جهت ممنوعیت‌هایی جهت وضع داور تعیین نموده است: اشخاصی که فاقد اهلیت

قانونی هستند، اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه یا در اثر دیگر از داوری محروم شده‌اند و یا اشخاصی که قاضی و کارمند اداری شاغل در محاکم قضایی هستند ممنوع از داوری هستند؛ لازم به ذکر است که بنای داوری مبنی توافق طرفین است حال اگر طرفین هم بخواهند این ممنوعیت را نادیده بگیرند به جهت اینکه حکم داور با نظم عمومی در ارتباط است حکم داوری که یکی از این موارد را داشته باشد باطل است. البته قانونگذار ممنوعیت‌هایی علاوه بر موارد فوق الذکر برای زمانی که دادگاه در جایگاه تعیین داور ذکر کرده است. البته این ممنوعیت‌ها به جهت رعایت حقوق طرفین می‌باشد و اگر طرفین تراضی داشته باشند می‌توان خلاف آن داور تعیین کرد. اما وجه خیلی مهمی در قانون نیامده و امروزه باعث بوجود آمدن مشکلات عدیده‌ای گردیده است و آن عدم تصریح قانونگذار بر صلاحیت علمی حقوقی داور می‌باشد حال سوالی پیش می‌آید که چه سطح از صلاحیت علمی مدنظر است؟

و اگر از (ناسازگاری و) جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوری از خانواده‌ی شوهر و داوری از خانواده‌ی زن برگزینید (تا به اختلاف آن دو رسیدگی کنند) اگر این دو بنای اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو را به توافق می‌رساند، زیرا خداوند، (از نیات همه) باخبر و آگاه است.

حتی اگر در یک مسئله دو داور وجود داشته باشد و این دو داور در یکسری مبنای وجه اشتراک داشته باشند. نه اینکه یکی دارای صلاحیت علمی و داور دیگر فاقد صلاحیت علمی یا هر دو بدون صلاحیت علمی باشند شما این فرض را در نظر بگیرید که در موضوعی دو داور انتخاب می‌شود و یکی از داورها صلاحیت علمی دارد و یکی دیگر صلاحیت علمی ندارد و این دو چگونه به توافق خواهند رسید؟ چرا که مبنای نظر یک داور علمی و مبنای دیگری تجارب اگر تجاربی داشته باشد. حال در این فرض که هر دو فاقد صلاحیت علمی باشند، بر چه مبنایی حکم صادر خواهند کرد؟ ما در کشوری زندگی می‌کنیم که مردم از حقوق بدیهی خود مطلع نیستند. این معطوف به قشر بی سواد نیست بلکه در قشر تحصیل کرده هم این موضوع را می‌توان دید. این

موضوع دلایل متعددی دارد ولی عمدتاً ناشی از نظام آموزشی غلط است، که جامعه را از حقوق بدیهی بی اطلاع کرده. موبد این نظر میتوان به مراجعات به وکلای دادگستری و پرونده های در دادگستری اشاره کرد که اغلب ناشی از بدیهیات حقوقی است و حال در اثر این بی اطلاعی امکان دارد داور خلاف قانون یا خلاف انصاف و وجدان حکم کند. البته لازم بودن صلاحیت علمی حقوقی برای داور مخالفانی هم دارد که به دو دسته عمده تقسیم می شوند: دسته اول از مخالفان برآنند که این صلاحیت علمی قابلیت اجرایی ندارد چرا که در سطح گسترده از جامعه که نمیتوان این صلاحیت عمومی را بوجود آورد؛ در مقام رد نظریه این دسته در بحث داوری وجود صلاحیت علمی قطعاً منظور صلاحیت علمی تمام کشور نیست بلکه ما باید جامعه مخاطبانی مشخص داشته باشیم تا بتوان این مورد را حل کرد و با یک بررسی ساده در بحث داوری به این خواهیم رسید که داوران عمدتاً یکسری خصائص مشترکی دارند که مردم به آنها مراجعه می کنند و شناختن این دسته کار سختی نیست و به راحتی میتوان آن ها را شناسایی کرد و برای تبیین و آموزش مسائل ابتدایی حقوق به آنها که گامی موثر در جهت فنی تر شدن داوری است. بنظر می رسد این دسته از مخالفان برآنند که هر فرد جامعه بتواند داور باشد، که این نظر خلاف عقل و منطق است مگر می شود که ما حل و فصل اختلاف که مسئله بسیار مهمی است و در یک حکم داور قاندا به نفع یک طرف و به ضرر دیگری است را به هر شخصی واگذار کنیم. مگر می شود که کسی را که با بدیهیات حقوق آشنا نیست به عنوان حاکم بر یک رابطه حقوقی بگذاریم؟

دسته دوم از مخالفان قائل بر این نظر هستند که اگر بخواهیم صلاحیت علمی را به عنوان شرط داور قرار بدهیم یکی از مزیت های مهم آن یعنی دسترسی عمومی از بین می رود؛ اما در رد این نظر باید بیان کرد که بررسی دسترسی عمومی در یک نگاه سطحی به این نتیجه مخالفان خواهد رسید ولی در

نگاهی تخصصی و حقوقی تر باید دید که اصلاً منظور از دسترسی عمومی در بحث داوری که به عنوان یک مزیت شناخته شده است چیست؟ منظور از دسترسی عمومی این است که اگر کسی بخواهد در منازعه که پیش آمده به داور مراجعه کند بتواند به راحتی و خارج از تشریفات دادرسی، یک فرد را که دارای حسن شهرت است و قابل دسترسی و ارتباط باشد به عنوان داور

در منازعه قرار بدهد. حال اگر این افراد که به عنوان داور می باشند را به صورت هسته های نخبگانی شناسایی و صلاحیت علمی حقوقی آنها را در حد بدیهیات رشد بدهیم یا با استفاده از ظرفیت های فارغ التحصیلان رشته حقوق یا مراکز داوری استفاده کنیم قطعاً مزیت دسترسی سریع از بین نخواهد رفت. صلاحیت علمی کمک شایانی به فنی تر شدن داوری خواهد کرد. قانونگذار بر مبنای نظر دوم به عدم تصریح در قانون پرداخته و این در صورتی درست خواهد بود که در کشور ما مردم از بدیهیات قانون مطلع بودند با این فرض لازم به تصریح صلاحیت علمی در قانون نبوده ولی امروز در کشور ما مردم از بدیهیات قانونی بی مطلع اند اما حالا که به این مهم که نه تنها در داوری بلکه برای رشد فرهنگ کشور نقش بسزائی دارد در کشور پرداخته نشده لازم بود قانونگذار با درک شرایط فعلی در اقدامی تصریح به امر صلاحیت علمی حقوقی کند. البته برای تعیین داور میتوان از ظرفیت های فعلی که مسکوت مانده است هم استفاده کرد یکی از این ظرفیت ها وجود فارغ التحصیلان زیاد رشته حقوق است که

می توان با تدابیری و اولویت بندی هایی برای مردم مراجعه به این فارغ التحصیلان را نسبت به افرادی که صلاحیت علمی ندارند ارجح تر دانست اگرچه بنظر می رسد ممنوعیت افراد فاقد صلاحیت به مراتب بهتر خواهد بود. یکی دیگر از ظرفیت های مهم که چند وقتی می شود که این ظرفیت توسط مرکز امور کارشناسان و وکلای قوه قضائیه بکارگیری شده است ایجاد مراکز داوری است؛ این مراکز به فنی تر شدن داوری کمک قابل توجهی خواهند کرد و توسعه هر بیشتر این مراکز برای امر داوری بسیار مهم و گامی موثر است. می توان از طریق ایجاد هسته های نخبگانی متشکل از افرادی که عموماً برای داوری تعیین می شوند که این امر از طریق ظرفیت قوه قضائیه در هر

استان به راحتی قابل اجرا می باشد، در هر استان به تربیت این هسته های نخبگانی بپردازد؛ یا الزام به حضور یک مطلع حقوقی در جلسات داوری جهت نظارت و دادن مشورت به داور بدون جانبداری و رعایت انصاف و وجدان.

صلاحیت علمی حقوقی موضوع بسیار مهمی است که اگر رشد اطلاعات حقوقی مردم به هر طریقی صورت بگیرد در فنی تر شدن احکام داوری کمک خواهد کرد ولی اگر گامی موثرتر در این راستا بر نداشته شود شاهد صدور احکامی از سوی داوران خواهیم شد که بعضاً خلاف قانون هست و باعث بیشتر شدن پروسه رسیدگی خواهد شد ولی اگر هم مخالف قانون نباشند امکان دارد به دور از انصاف و وجدان می باشند. به هر جهت نهاد داوری نقش بسزائی در حل منازعات دارد لذا قانونگذار و متولیان امر باید جهت رشد علمی احکام داوران اهتمام بیشتری در جهت آموزش یا اعمال محدودیت ها بورزند تا شاهد احکام فنی داوری به دور از تشریفات وقت گیر مراجع قضائی باشیم. {۱۷}، {۱۸}، {۱۹}

صلاحیت علمی حقوقی موضوع بسیار مهمی است که اگر رشد اطلاعات حقوقی مردم به هر طریقی صورت بگیرد در فنی تر شدن احکام داوری کمک خواهد کرد ولی اگر گامی موثرتر در این راستا بر نداشته شود شاهد صدور احکامی از سوی داوران خواهیم شد که بعضاً خلاف قانون هست و باعث بیشتر شدن پروسه رسیدگی خواهد شد ولی اگر هم مخالف قانون نباشند امکان دارد به دور از انصاف و وجدان می باشند.





بررسی حقوقی مفهوم تابعیت

سحر حسینی ایرانی

saharhoseini476@gmail.com

تعریف تابعیت

در خصوص تابعیت حقوقدانان و اندیشمندان حقوق بین الملل تعریف واحدی ارائه نکردند، اما در مورد تابعیت می توان گفت خصلت سیاسی و داخلی بودن، تابعیت است؛ زیرا تابعیت حالت یا صفتی است ناشی از این حقیقت که شخصی به یک ملت یا دولت تعلق دارد یا خیر.

به همین منظور در ساده ترین تعریف در خصوص تابعیت عبارت است از (تابعیت یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی است که شخصی را به دولتی معین مرتبط میسازد).

تابعیت یک رابطه سیاسی است، زیرا از حق حاکمیت دولت ناشی میشود؛ تابعیت یک رابطه حقوقی است زیرا دارای اثرات حقوقی در نظام بین المللی و نظام داخلی می باشد؛ تابعیت یک رابطه معنوی است زیرا اتباع کشور را از نظر هدف ها و عادات و رسوم مشترکی که دارند، به یک دولت پیوند می دهد و ارتباطی به مکان و زمان مشخص ندارد.

اصول و مبانی تابعیت

با عنایت به مقدمه قرارداد لاهه ۱۹۳۰، تابعیت شامل سه اصل اساسی می شود: اصل لزوم تابعیت: به این معنی که داشتن یک تابعیت برای هر فردی لازم است. اصل وحدت تابعیت: به این معنی که تابعیت باید واحد باشد نه متعدد. اصل تغییر پذیری تابعیت: با اینکه اعلامیه حقوق بشر به هرکس حق می دهد تابعیت یک دولت را داشته باشد ولی با این حال تابعیت یک امر همیشگی نیست و امکان

تغییر آن وجود دارد.

بی تابعیتی

به رغم اصل لزوم تابعیت به ندرت موارد یافت میشود که افرادی دارای هیچ تابعیتی نیستند.

موارد و علل بی تابعیتی

از جمله موارد بی تابعیتی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. مجازات
۲. پناهندگی و مهاجرت
۳. اختلاف قوانین
۴. ترک تابعیت و عدم تحصیل تابعیت جدید

پناهندگی و مهاجرت

در اثر پناهندگی و مهاجرت ممکن است شخصی که تابعیت مبدا خود را از دست داده است، به تابعیت دولت جدید نیز در نیامده باشد و در نتیجه بدون تابعیت بماند.

در برخی کشورها مثل آلمان سلب تابعیت به عنوان پناهندگی پیشبینی شده است، به این ترتیب که اگر اتباع این کشور به دول خارجی پناهنده شوند، تابعیت آلمانی آنها سلب می شود.

در زمان گذشته سلب تابعیت در اثر پناهندگی، زمانی که دسته جمعی انجام می شد، تا حدود قابل دفاع بود. زیرا با توجه به اینکه تبعه به میل خود وطنش را ترک کرده و دیگر قصد و علاقه به بازگشت به کشور خود نداشت، سلب تابعیت راه حل عاقلان های به نظر میرسید. به علاوه

بی تابعیتی ای که از آن حاصل می شد با گذشت یکی دو نسل، با اعمال سیستم خاک رفع می گردید اما در حال حاضر حتی با سلب تابعیت به علت پناهندگی دسته جمعی مردود است.

اقدامات سازمانهای بین المللی جهت رفع مشکل بی تابعیتی

بی تابعیتی نه تنها در روابط خصوصی افراد در سطح بین المللی، به خصوص در احوال شخصیه، اشکالات فراوانی تولید میکند، بلکه حتی موجب بروز مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی و حقوقی می گردد. به همین دلیل حل مشکل بی تابعیتی، از یک طرفی از لحاظ خود فرد بدون تابعیت و از طرف دیگر از جهت حفظ صلح و آرامش جهانی و اجرای مقررات، حائز اهمیت است.

قرارداد ژنو ۱۹۵۱

در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ قرارداد مهمی راجع به وضعیت پناهندگان در ژنو امضا شد که در مورد اشخاصی که تابعیت ندارند و خارج از محل اقامت قبلی خود می باشند و نمی خواهند یا نمی توانند به آن محل باز گردند، اجرا می شود. به موجب این قرارداد اشخاص بدون تابعیت اشخاصی هستند که هیچ یک از دولت ها طبق قوانین خود آنها را تبعه خود نمی دانند و با این افراد مانند آوارگان رفتار میشود. {۲۰}

اقدامات ضروری بعد از تجاوز

محیا شریفی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
Mahyashwr26@gmail.com

تجاوز جنسی یکی از دردناک ترین آسیب هایی است که ممکن است فردی در زندگی خود تجربه کند. این جرم تنها یک حمله ی فیزیکی نیست بلکه قدرت تخریب گری اش می تواند تمام زندگی مادی و روانی قربانی را تحت تأثیر قرار دهد و از جمله جرایم پیچیده ای است که اثبات آن به اقدامات فوری قربانی پس از وقوع جرم بسیار وابسته است. با این حال شوک ناشی از این جرم ممکن است بسیاری از قربانیان را به سکوت و بی عملی و حتی انکار بکشاند و یا شخص از ترس خانواده و حفظ آبرو سعی در پنهان کردن واقعه کنند. بنابراین از آن جا که علت به نتیجه نرسیدن بسیاری از شکایت های مطرح شده از بین رفتن آثار جرم است و تقریباً مهم ترین دلیل اثباتی وقوع تجاوز گزارش پزشکی قانونی مبنی بر ورود جراحات یا کبودی است و نتیجه ی دادگاه به نظریه پزشکی قانونی بسیار بستگی دارد ۷۲ ساعت طلایی پس از وقوع جرم بسیار مهم است و قربانی باید اقدامات اساسی را در این مدت به عمل آورد چرا که پس از آن ممکن است آثار جرم از بین برود یا کم شود. در فاصله ی وقوع تجاوز تا مراجعه به پزشکی قانونی لازم است شخص قربانی از انجام اقداماتی مانند حمام کردن یا مسواک زدن خودداری کرده و لباس هایی را که در زمان وقوع تجاوز بر تن داشته است در پلاستیک در بسته ، جهت ارائه به پزشکی قانونی نگهداری کند . اگر آثار تجاوز روی لباس قربانی به جای مانده باشد با گذشت چندین سال هم می توان با آزمایش دی ان ای (DNA) شخص متجاوز را شناسایی نمود .

لازم به ذکر است در پزشکی قانونی در صورتی که قربانی گمان می برد که متجاوز به او داروی خواب آور یا مواد مخدر یا الکل داده می تواند درخواست نماید تا پزشک از طریق آزمایش خونی که از وی می گیرد این موضوع را نیز مدنظر قرار دهد و درگزارش خود قید نماید. همچنین قربانی باید حتماً از پزشکی قانونی بخواهد که خطر بیماری های مقاربتی و حاملگی ناخواسته را در نظر بگیرد .

اقدام فوری بعدی طرح شکایت است!

در پرونده های تجاوز جنسی دادسرا به امر تعقیب و تحقیق نمی پردازد و پس از مطرح شدن شکایت پرونده مستقیم به دادگاه ارجاع می گردد. به سبب عدم وجود شاهد و احتمالاً انکار متهم، در چنین پرونده هایی مهم ترین راه احراز وقوع جرم علم قاضی است که با توجه به مواردی مثل گزارش اولیه پلیس، نظریه پزشکی قانونی، اظهارات متهم در جلسه رسیدگی و عکس و مدارک الکترونیک از جمله تهدید قربانی از جانب متهم از طریق پیامک و... حاصل می گردد. بنابراین هر گونه تصویر، صوت، مدارک الکترونیک از جمله تماس ، پیامک ، ایمیل ، اینستاگرام ، تلگرام ، توئیتر ، فیسبوک از جمله دلایل اثبات ادعا محسوب می شوند. قربانی باید کلیه مستندات و پیام های متجاوز یا متجاوزین را به خصوص در صورت تهدید و اخاذی با دقت و حساسیت جمع آوری و در چند نسخه کپی نگهداری کند تا به دادگاه ارائه نماید .

در بحث جبران خسارت هم باید گفت در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه بر مجازات زنا به عنف، باید ارش بکارتی که از بین برده است و مهرالمثل زن را پردازد ولی اگر زن باکره نباشد علاوه بر اینکه به مجازات اصلی محکوم می شود باید تنها مهرالمثل را پرداخت کند. در نتیجه به استناد ماده ۲۲۴ قانون

مجازات اسلامی حد زنا در موارد زیر اعدام است :

- زنا با محارم نسبی.
- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.
- زنا ی مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.
- زنا ی به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

تبصره ۱: مجازات زانیه در بندهای ب و پ حسب مورد تابع سایر احکام مربوط به زنا است .

تبصره ۲: هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا ی با او نباشد در حال بیهوشی خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا ی به عنف است . در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.

در صورتی که تجاوز صورت گرفته از موارد زنا ی به عنف و اکراه باشد مجازات شخص اعدام خواهد بود.

{۲۳}، {۲۴}، {۲۵}، {۲۶}

در فاصله ی وقوع تجاوز تا مراجعه به پزشکی قانونی لازم است شخص قربانی از انجام اقداماتی مانند حمام کردن یا مسواک زدن خودداری کرده و لباس هایی را که در زمان وقوع تجاوز بر تن داشته است در پلاستیک در بسته، جهت ارائه به پزشکی قانونی نگهداری کند. اگر آثار تجاوز روی لباس قربانی به جای مانده باشد با گذشت چندین سال هم می توان با آزمایش دی ان ای (DNA) شخص متجاوز را شناسایی نمود .

منابع

۱. مجله مطالعات حقوقی، دوره دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹، علیرضا عالی پناه، رضا بکشلو، علیرضا محرابی زاده
۲. ابراهیمی، مهرداد، چاکرزی، عبدالوهاب، «ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران»، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۹۴، صص ۱۱۳-۱۲۷
۳. زواره، صالح، عزیزی، پوریا، «بررسی عوامل مؤثر اجتماعی و خانوادگی در بزهکاری اطفال و راهکارهای پیشگیری از آن»، فصل نامه دانش انتظامی پلیس پایتخت، سال نهم، شماره ۳، ۱۳۹۵، صص ۳۳-۴۸
۴. علی اکبرپور، جواد، راد، فیروز، «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش به ارتکاب جرم در مناطق ده گانه تبریز»، مطالعات جامعه شناسی، سال هفتم، شمار ۲۶، ۱۳۹۴، صص ۲۱-۳۵
۵. قربان نیا، ناصر، «نگاهی به فقر از منظر جرم شناسی»، نامه مفید، شماره ۱۷، ۱۳۷۸، صص ۱۵۵-۱۸
۶. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹، صص ۴۴۶
۷. نوغانی دخت بهمنی، محسن، میرمحمدتبار، سید احمد، «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم
- فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران»، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۳، ۱۳۹۴، صص ۸۵-۱۰۲
8. Becker, G.S., "Crime and Punishment: An Economic Approach", Journal of Political Economy, 1968
۹. کرمشاهی، محمد صالح، ماهیت و آثار نامزدی در حقوق ایران، استاد راهنما: دکتر محمد رضا امیرمحمدی استاد مشاور: دکتر علی شهسواری، تیر ماه ۱۳۹۵
۱۰. بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد
۱۱. صفایی، سید حسین، حقوق خانواده، نشر میزان
۱۲. فاطمی، محمد جواد، بررسی تطبیقی مجازات اسیدپاشی در ایران و کشورهای جنوب آسیا و راه های پیشنهادی برای پیشگیری از آن
۱۳. بای، حسین علی، مجازات اسیدپاشی، مجله فقه اهل بیت
۱۴. توکلی نظری، سعید، ثانی کراچیان، فاطمه، اجرای مجازات اسیدپاشی در جرم اسیدپاشی
۱۵. سلمان پور، عباس، کاظمی، حسن، تحولات تقنینی اعاده حیثیت در حقوق کیفری ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره اول
۱۶. اردبیلی، م.م. ۱۳۸۸. حقوق جزای عمومی تهران، چاپ ۲۱، ج ۱، انتشارات میزان، (کتاب)
۱۷. کریمی، عباس، پرتو، حمیدرضا، حقوق داوری داخلی، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۹، (کتاب)
۱۸. خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری و دعوی مربوط به آن در رویه قضایی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲، (کتاب)
۱۹. حدادی، مهدی، نظارت مراکز داوری، بر رأی داوری، دانش حقوق مدنی، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۴ شماره ۱
۲۰. ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، (کتاب)، جلد اول
۲۱. رفیعی، محمد رضا، چالش های نهاد آرا وحدت رویه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۴
۲۲. ابریشمی راد، محمد امین و حسین آئینه نگینی (۱۳۹۸)، نقد صلاحیت دیوان عدالت اداری در صدور رای وحدت رویه، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۲۵
۲۳. قانون مجازات اسلامی، چاپ ۱۵۷، ۱۳۹۸ سال
۲۴. مارک جی. کیتلسون، حقایق درباره تجاوز جنسی .
۲۵. سعید مدنی، تعرض های خاموش، روزنامه شرق.
۲۶. مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور، انتشارات روزنامه رسمی

دکتر ربیعا اسکینی

حقوقدان برجسته ایرانی

دکتر ربیعا اسکینی، حقوقدان، استاد دانشگاه و نویسنده کتب دانشگاهی رشته حقوق تجارت در سال ۱۳۲۵ در خرم‌آباد لرستان به دنیا آمد. در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۸ لیسانس حقوق گرفت. سپس به فرانسه رفت و در دانشگاه نانتر پاریس، دوره فوق لیسانس حقوق را با رتبه اول به پایان رساند. سرانجام با ارائه پایان نامه «تعیین و پرداخت ثمن در بیع تجاری بین المللی» موفق به دریافت دکترای حقوق خصوصی شد. دکتر اسکینی پس از بازگشت به کشور، به عضویت هیئت علمی سازمان انرژی اتمی درآمد. ایشان مدتی نیز در دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکز، دانشگاه علامه طباطبایی و موسسه علوم اداری، به تدریس دروس حقوق تجارت (تمام دوره‌ها)، حقوق تجارت بین الملل، حقوق تجارت تطبیقی و داوری بین الملل، مشغول بود.

سوابق تحصیلی و علمی:

دیپلم ادبی در دبیرستان ملک الشعراي بهار در سال ۱۳۴۴
لیسانس حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸
کارشناسی ارشد در رشته حقوق تجارت از دانشگاه نانتر پاریس در سال ۱۹۸۱ میلادی
دکتری حقوق خصوص از دانشگاه نانتر پاریس در سال ۱۹۸۴ (م.) و کسب رتبه اول دوره

سوابق شغلی ایشان:

دانشیار و عضو هیئت علمی سازمان انرژی اتمی ایران
تدریس به مدت ۳۰ سال در دانشگاه ها از جمله شهید بهشتی، تهران، علامه طباطبایی، مفید، دانشگاه شهید مطهری، تربیت مدرس و دانشگاه امام صادق

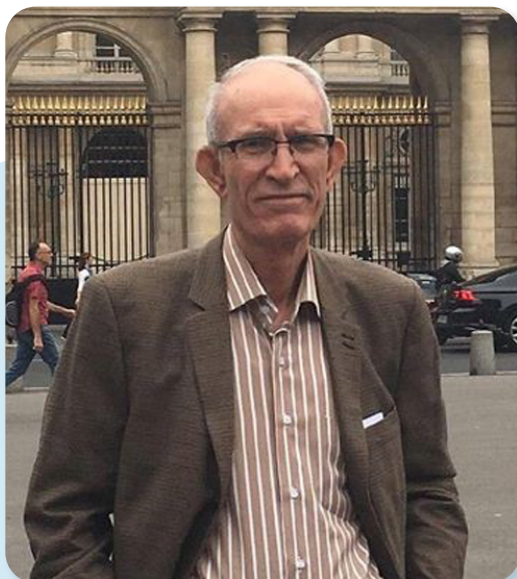
رئیس دیوان داوری اتاق بازرگانی ایران
عضو هیأت مدیره شرکت های بین المللی ایران و فرانسه
وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز

گزیده ای از آثار علمی ایشان:

کتاب حقوق تجارت، شرکتهای تجاری (جلد اول)، چاپ پنجم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران ۱۳۸۰.
کتاب حقوق تجارت، شرکتهای تجاری (جلد دوم)، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱
کتاب حقوق تجارت، (برات، سفته، قبض، انبار، اسناد در وجه حامل و چک) چاپ پنجم، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
کتاب حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱.

کتاب حقوق تجارت (کلیات، منابع، معاملات تجاری و...)، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۰
کتاب حقوق تجارت تطبیقی، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۷۳

مقاله اسکینی، ربیعا و فرامرز باقرآبادی (۱۳۹۰)، «تعهدات اساسی فرانشیز گیرنده در قراردادهای بین المللی فرانشیز»، فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره چهل و یکم، شماره ۳، ص ۱-۲۰.
مقاله اسکینی، ربیعا (۱۳۹۰)، «داوری پذیری دعاوی در حقوق ایران»، در مجموعه همایش صدمین سال تاسیس نهاد داوری در حقوق ایران، تهران، انتشارات مرکز داوری اتاق ایران و موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی تهران.



اخبار حقوقی

اصلاحیه نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت

مصوبه ۱۰۰/۳۸۲۴۸/۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۳
رئیس قوه قضاییه

در اجرای ماده ۱۹ قانون تجارت نظامنامه ماده ۱۹ تجارت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۹ به شرح زیر اصلاح می‌شود:
ماده واحده-

افراد حقیقی داخل در طبقات زیر به استثنای صاحبان مشاغل موضوع بند الف ماده ۹۵ قانون مالیات های مستقیم اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ از مصادیق کسبه جزء محسوب و از داشتن دفتر تجارتي معاف خواهند بود:

۱- کسبه، پیشه وران، تولیدکنندگان و نظایر آنها که فروش سالیانه آن از ۴ میلیارد ریال تجاوز نمی‌کند.

۲- ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای که عایدی غیر خالص آنها متجاوز از دو میلیارد ریال نباشد.

غلامحسین محسنی اژه‌ای
۱۴۰۰/۶/۷ پایگاه اختیاری

ابطال مصوبه ممنوعیت شرکت پذیرفته شدگان روزانه دوره های روزانه تحصیلات تکمیلی از شرکت مجدد در آزمون

رای هیات عمومی در خصوص مصوبه ممنوعیت شرکت پذیرفته شدگان روزانه دوره های روزانه تحصیلات تکمیلی از شرکت مجدد در آزمون

کلاس پرونده: ۹۹۰۲۲۶۴ شماره دادنامه: ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۳۲۲ تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۵/۵

رای هیات عمومی
اولاً:

وظایف و اختیارات شورای سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی براساس ۷ بند در ماده ۳ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴ احصاء شده و از هیچ یک از بندهای فوق محرومیت از شرکت در آزمون به مدت

یک سال برای پذیرفته شدگان دوره روزانه که در دانشگاه قبولی ثبت نام کرده و یا نکرده باشند، استنباط نمی‌شود و از طرفی، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بر نحوه سنجش علمی و پذیرش دانشجو برای کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته، دکتری حرفه ای و دکتری پیوسته که به موجب صدر ماده ۲ قانون فوق‌الذکر به عنوان هدف تشکیل شورای سنجش و پذیرش دانشجو تعیین شده، مجوزی بر ایجاد تضییق برای شرکت در آزمون برای سال بعد از قبولی نیست.

ثانیاً:
ایجاد محدودیت برای شرکت در آزمون سال بعد از قبولی موجب اعمال محدودیت حق بر آموزش به عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان است و با بند سوم اصل سوم و اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مغایر است.

بنا به مراتب فوق، حکم مقرر در قسمت «ب» بند (۲) مصوبه چهارمین جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۸ شورای سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی که براساس آن مقرر شده پذیرفته شدگان روزانه چه در دانشگاه قبولی ثبت نام کرده و چه ثبت نام نکرده باشند، سال بعد از سال قبولی اجازه شرکت در آزمون را ندارند و یک سال محروم از آزمون هستند، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مهدی دربین

هیات عمومی دیوان عدالت اداری
معاون قضایی دیوان عدالت اداری
۹ شهریور ۱۴۰۰ اختیاری

وزیر دادگستری: امنیت قضایی شرط مهم کارآمدسازی قوه قضائیه است

وزیر دادگستری گفت: امنیت قضایی برای مظلوم امید، برای مجرم نگرانی از مجازات و برای مردم عادی آرامش و آسایش به همراه دارد.

به گزارش ایسنا، امین حسین رحیمی در برنامه تلویزیونی تیترا امشب گفت: ما مسئولان

باید مراقب اقدام، عمل و تصمیم‌گیری‌های خود باشیم، چون مستقیم بر زندگی مردم تاثیر می‌گذارد.

وی افزود: در اصل ۱۶۰ قانون اساسی آمده وزیر دادگستری مسئول تمام روابط بین قوه قضائیه با دو قوه دیگر است؛ در حالی که این قوا مستقل از یکدیگرند، اما در عین حال به صورت جزیره‌ای هم نمی‌توانند عمل کنند.

رحیمی ادامه داد: وظیفه دیگر وزارت دادگستری برقراری ارتباط بین سه قوه و مجلس شورای اسلامی است؛ بنابراین تنها وزارتخانه‌ای است که در قانون اساسی هم از آن نامبرده شده است. وی سپس وزیر دادگستری را مسئول تصویب قوانین قوه قضائیه در مجلس و دریافت بودجه مورد نیاز این قوه از دولت معرفی و تاکید کرد: مهمترین نیاز قوه قضائیه به مجلس تصویب قوانین است و وزیر دادگستری باید طرح‌ها و لوایح مرتبط به قوه قضائیه را در مجلس پیگیری کند.

به گفته وزیر دادگستری، دریافت بودجه و امکانات مورد نیاز قوه قضائیه از دولت نیز از دیگر وظایف وزارت دادگستری است. قوه قضائیه با ارتقاء امنیت قضایی کارآمدتر خواهد شد

وی در ادامه امنیت قضایی را شرط لازم کارآمدتر شدن قوه قضائیه اعلام و تصریح کرد: امنیت قضایی برای مظلوم امید، برای مجرم ترس و نگرانی از مجازات و برای مردم عادی آرامش و آسایش به همراه دارد.

رحیمی افزود: وزیر دادگستری برای ارتقاء امنیت قضایی، باید بودجه و امکانات مورد نیاز قوه قضائیه را فراهم کند. با الکترونیکی کردن فرایندها، امکان وقوع فساد به حداقل می‌رسد

وزیر دادگستری در بخش دیگری از صحبت‌هایش اعلام کرد: ایران در کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد عضویت دارد که مرجع ملی آن وزارت دادگستری است؛ براساس این کنوانسیون، موظفیم در دستگاه‌های دولتی فساد نداشته باشیم. وی ادامه داد: وزارت دادگستری موظف است دستگاه‌های دولتی و نهادهای امور اجرایی دولت را به سمتی هدایت کند تا فساد در آنها حذف شود یا به حداقل برسد. رحیمی در پایان ابراز امیدواری کرد که با الکترونیکی کردن فرایندها در ادارات، امکان وقوع فساد به حداقل برسد.

۱۰ شهریور ۱۴۰۰ خبرگزاری ایسنا

اخبار حقوقی

کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم در اولویت پژوهشی قرار گیرد

معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه، بر ضرورت بهره‌مندی از ظرفیت‌های پژوهشگاه قوه قضاییه به منظور حل مسائل و مشکلات دستگاه قضایی تأکید کرد و گفت: کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم در اولویت پژوهشی قرار گیرد.

به گزارش ایلنا، حجت‌الاسلام نورالله قدرتی در حاشیه بازدید از پژوهشگاه قوه قضاییه در نشست با رئیس و معاونان این پژوهشگاه بر استفاده از ظرفیت فقه در تمام امور قضایی تأکید کرد و گفت: اهل بیت (ع) راه نجات ما در تمام مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند و جامعه‌ای که براساس فقه و اسلام پیش رود موفق خواهد بود.

معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه با تأکید بر اینکه باید تمام مسائل براساس فقه و اسلام باشد، افزود: باید فقه را به زبان روز بیان کرد تا راهگشای تمام مشکلات حتی موضوعاتی مانند محیط زیست باشد و در راستای فقه آل محمد (ص) گام برداریم. قدرتی در ادامه سخنان با تأکید بر اجتناب از انفعال در تمام امور گفت: در تمام مسائل باید از انفعال دوری کنیم و مطالبه‌گر باشیم. به عنوان مثال چرا نباید علیه اروپا در راستای رعایت نشدن حقوق بشر کیفرخواست بدهیم؟ به نظر می‌رسد اینها موضوعاتی است که می‌تواند موضوع کار پژوهشگاه قوه قضاییه قرار گیرد.

معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه بر استفاده از ظرفیت پژوهشگاه در حل مشکلات دستگاه قضایی تأکید کرد و گفت: در کنار سوق دادن اولویت‌های پژوهشی به حل مسائل و مشکلات قوه قضاییه، پژوهشگاه باید پرداختن به مسائل حقوقی مبتلابه مردم که نهایتاً به پرونده برای دستگاه قضایی تبدیل می‌شود را نیز در دستور کار قرار دهد.

قدرتی تصریح کرد: به نظر می‌رسد ۳۰ درصد پرونده‌هایی که امروز در دادگستری‌ها و محاکم مطرح رسیدگی می‌شوند، مسائل و موضوعاتی هستند که اصلاً نیاز به رسیدگی در دادگاه ندارند. بنابراین می‌توان با کار پژوهشی و بررسی دقیق، گلوگاه‌ها را شناسایی کرد.

در ادامه سید حجت‌الله علم‌الهدی

پژوهشگاه قوه قضاییه را بازوی علمی و پژوهشی و در جایگاه مرجع تصمیم‌ساز دستگاه قضا دانست و گفت: حقیقتاً در طی سال‌های اخیر شاهد تحولی چشم‌گیر در تمام ابعاد و اقدامات بودیم که این امر نشان از اقدام و حرکت جهادی و جوانانه همکاران در این پژوهشگاه است. وی با بیان اینکه پژوهشگاه قوه قضاییه ظرفیت بسیار بالایی برای رفع مشکلات دستگاه قضا دارد، افزود: خوشبختانه پژوهشگاه قوه قضاییه در مراجع علمی و دانشگاهی از جایگاه معتبری برخوردار بوده و نگاه ما این است که به عنوان قطب علمی در موضوعات حقوقی و قضایی مطرح شویم.

رئیس پژوهشگاه قوه قضاییه با بیان اینکه مجموعه نیروهای پژوهشگاه افراد کارآمد و دغدغه‌مند برای دستگاه قضا هستند، افزود: یکی از اقدامات مهم در پژوهشگاه ارتباط تنگاتنگ با مراکز علمی و دستگاه‌های مرتبط با دستگاه قضا است به این شکل که تاکنون ۶۱ تفاهم‌نامه با دانشگاه‌هایی از جمله دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگاه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی منعقد شده است.

وی در ادامه با اشاره به حمایت از رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها، اظهار کرد: بسترهای لازم مانند حمایت از پایان‌نامه‌ها، جذب سرباز نخبگان، پسادکتري و اعطای فرصت‌های مطالعاتی به اساتید دانشگاه در پژوهشگاه قوه قضاییه فعال شده است.

علم‌الهدی در ادامه نیز به تربیت پژوهشگران متخصص در امور قوه قضاییه اشاره کرد و گفت: سعی کرده‌ایم در جذب اعضای هیات علمی و پژوهشگران به گونه‌ای عمل کنیم که این افراد به عنوان سرمایه‌های انسانی، همیشه در اختیار قوه قضاییه برای حل چالش‌ها و مشکلات باشند.

وی تأکید کرد: در مجموع پژوهشگاه قوه قضاییه سعی کرده در کنار فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی و ایجاد یک تیم تخصصی پژوهشی، بر روی فعال‌سازی ظرفیت‌های بیرونی متمرکز شود تا فقط به نیروهای مستقر در پژوهشگاه محدود نباشد و بتواند از تجربیات و دانش قضات، کارکنان قضایی و اساتید دانشگاه بهره‌مند شود.

در ابتدای این جلسه و پس از بازدید میدانی معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه از

بخش‌های مختلف پژوهشگاه قوه قضاییه، معاونان و مدیران پژوهشگاه قوه قضاییه گزارش عملکرد از اقدامات و دستاوردهای حوزه مدیریت خود ارائه کردند.

۱۰ شهریور ۱۴۰۰ خبرگزاری ایلنا.

گردآورنده: حمیدریبی فرآهانی
دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اراک
hfarahani526@gmail.com

فعالیت کارگروه های سومین دوره انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه اراک

کارگروه علمی - فرهنگی

شرح وظایف:

- برگزاری بالغ بر ۵۵ نشست و دوره علمی - تخصصی
- انتشار فصلنامه علمی تخصصی رساله عدلیه
- معرفی کتاب و فیلم حقوقی
- ارائه اخبار حقوقی

کارگروه پژوهشی

شرح وظایف:

- برگزاری جلسات مباحثات حقوقی
- ارائه مقاله های حقوقی - کاربردی
- ارائه آرای وحدت رویه و نظریه های مشورتی به روز و مهم
- ارائه نقد حقوقی فیلم و...

کارگروه آموزشی

شرح وظایف:

- ارائه مطالب آموزشی - حقوقی
- ارائه تست های طبقه بندی شده همراه با پاسخ های تحلیلی آزمون وکالت و کارشناسی ارشد سال های اخیر در حوزه های حقوق مدنی ، تجارت ، جزا ، اصول فقه ، آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری
- ارائه تحلیل مواد قانونی ، ارائه لغات و مفاهیم متون حقوقی

شرح برگزاری دوره‌ها و نشست‌های علمی تخصصی سومین دوره انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه اراک (میان دوره)

۹- «مباحثه حقوقی» (با موضوع: مسئولیت مدنی ناشی از انتقال بیماری‌های همه گیر (کرونا))
مورخ: ۱۴۰۰/۲/۲۲

۱۴- کارگاه آموزشی اصول و فنون مذاکره قراردادی
مورخ: ۱۳۰۷، ۶، ۷ و ۱۴۰۰/۳/۱۴

۱۵- دهمین نشست از سلسله نشست‌های حقوقی کارگاه کاربردی آنلاین آشنایی با قوانین و مقررات جدید چک
مورخ: ۱۴۰۰/۲/۲۹

۱۶- سومین جلسه از سلسله جلسات «مباحثه حقوقی» (با موضوع: مسئولیت مدنی وکلا)
مورخ: ۱۴۰۰/۳/۱۱

۱۷- بررسی احکام ارث در قانون مدنی و فقه اسلامی (انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید باهنر کرمان، میبید، شهید مطهری، اردکان، شهر کرد و ..)
مورخ: ۱۴۰۰/۳/۱۲

۱۸- تحول دیجیتال در حکمرانی قضایی (با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران (شعبه اصفهان))
مورخ: ۱۴۰۰/۳/۱۷

۱۹- حریم خصوصی از منظر حقوق شهروندی (با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران (شعبه اصفهان))
مورخ: ۱۴۰۰/۴/۲

۲۰- تجزیه و تحلیل کنوانسیون حقوق کودک (با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران (شعبه اصفهان))
مورخ: ۱۴۰۰/۳/۱۹

۲۱- یازدهمین نشست از سلسله نشست‌های حقوقی با موضوع حمایت کیفری

۹- چهارشنبه‌های مباحثه ای، اولین جلسه از سلسله جلسات «مباحثه حقوقی» (با موضوع: معامله فضولی)
مورخ: ۱۴۰۰/۲/۱

۱۰- کارگاه آشنایی با حقوق بورس
مورخ: ۸ و ۱۴۰۰/۲/۹

۱۱- نهمین نشست از سلسله نشست‌های حقوقی با موضوع: تحلیل رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور درباره مجاز بودن تعیین وجه التزام بیشتر از شاخص تورم رسمی
مورخ: ۱۴۰۰/۲/۱۸

۱۲- صفر تا صد شروع کارآفرینی موفق با مهندس پنیریان
مورخ: ۱۴۰۰/۲/۱۹

۱۳- دومین جلسه از سلسله جلسات

۱- مراسم برخط معارفه نودانشجویان حقوق دانشگاه اراک
مورخ: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

۲- دوره آموزشی برخط تحلیل حقوقی عقد وقف در قانون مدنی
مورخ: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱ و ۱۴۰۰/۱/۲۱

۳- اولین نشست برخط حقوقی بررسی رای هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری نسبت به تقاضای برکناری معاون علمی رئیس جمهور
مورخ: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

۴- چهلمین کرسی ترویجی با موضوع شرط عدم ازدواج مجدد (با همکاری انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه میبید)
مورخ: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

۵- هشتمین نشست از سلسله نشست‌های دوشنبه‌های حقوقی با موضوع: (بایسته‌های آزمون‌های حقوقی)
مورخ: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

۶- فصلنامه علمی تخصصی رساله عدلیه شماره چهارم / سال دوم / زمستان ۱۳۹۹

۷- دوره آموزشی مهارت‌های تدوین و انتشار مقاله در مجلات علمی (با همکاری انجمن علمی دانشجویی گروه حقوق دانشگاه میبید)
مورخ: ۱۴۰۰/۱/۲۱

۸- نهمین نشست از سلسله نشست‌های دوشنبه‌های حقوقی با موضوع: (بررسی فقهی حقوقی بیت کوین)
مورخ: ۱۴۰۰/۱/۳۰



۳۴- اخلاق حرفه‌ای در مشاغل حقوقی
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۲۳، ۲۹، ۳۰

۳۵- بررسی تشکیل قرارداد در حقوق خصوصی مدرن
مورخ: ۱۴۰۰/۶/۶، ۱۴۰۰/۵/۲۴

۳۶- آسیب شناسی فرآیند رسیدگی در هیات های حل اختلاف کارگری و کارفرمایی
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۲۵

۳۷- پزشکی و روان پزشکی قانونی و بررسی تخصصی صحنه جرم
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۳۰

۳۸- مالیت ارزشهای دیجیتال و نقش آن در مبادله
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۳۱

۳۹- آسیب شناسی فرآیند رسیدگی در کمیسیون های ماده ۱۰۰ شهرداری
مورخ: ۱۴۰۰/۶/۱

۴۰- بررسی جرائم مالی کارکنان دولت (رشا، ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری)
مورخ: ۱۴۰۰/۶/۷، ۶، ۱

۴۱- نکات کاربردی شکوائیه نویسی
مورخ: ۱۴۰۰/۶/۲

۴۲- چگونه رتبه برتر شویم؟ (آزمون ارشد)
مورخ: ۱۴۰۰/۶/۲

۲۸- قرارداد نویسی (با همکاری کانون قرارداد نویسان ایران)
مورخ: ۱۴۰۰/۴/۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶

۲۹- پنجمین جلسه از سلسله جلسات مباحثه حقوقی با عنوان: بررسی دفاع مشروع در نظام حقوقی ایران
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۱۳

۳۰- دوره جامع آیین نگارش حقوقی (با همکاری انجمن های دانشجویی حقوق الزهرا (س) و فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مطهری (ره))
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۲۰ الی ۱۴۰۰/۶/۱۱

سرفصل اول لایحه نویسی
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۲۰

سرفصل دوم قرارداد نویسی
مورخ: ۱۴۰۰/۶/۵

سرفصل سوم شکوائیه نویسی
مورخ: ۸ الی ۱۴۰۰/۶/۱۰

سرفصل چهارم دادخواست نویسی
مورخ: ۱۴۰۰/۶/۱۱

۳۱- ویژه برنامه تابستانه ۱۴۰۰ (با همکاری گروه دبیران انجمن های علمی حقوقی با همراهی جمعی از انجمن های علمی)
مورخ: ۱۸ مرداد الی ۱۵ شهریور ۱۴۰۰

۳۲- آسیب شناسی فرآیند رسیدگی در هیات های رسیدگی به تخلفات کارکنان دولت
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۱۸

۳۳- شرایط صدور انواع تصمیمات قضایی
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۲۱

از حقوق نسل های آینده در قلمرو صلاحیت دیوان بین الملل کیفری
مورخ: ۱۴۰۰/۳/۲۰

۲۲- مشارکت مسئولیت مدار در تعیین سرنوشت اجتماعی (با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران (شعبه اصفهان))
مورخ: ۱۴۰۰/۳/۲۳

۲۳- کاربرد فناوری اطلاعات در حقوق (با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران (شعبه اصفهان))
مورخ: ۱۴۰۰/۳/۲۴

۲۴- چهارمین جلسه از سلسله جلسات «مباحثه حقوقی» با عنوان: بررسی مزایا و معایب تنظیم قولنامه ها و قراردادها در نگاه های متصدی
مورخ: ۱۴۰۰/۳/۲۶

۲۵- نظریه های مربوط به رابطه دولت و اموال عمومی (با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران شعبه اصفهان)
مورخ: ۱۴۰۰/۳/۲۶

۲۶- فصلنامه علمی تخصصی رساله عدلیه

شماره پنجم / سال سوم / بهار ۱۴۰۰

۲۷- ورک شاپ موفقیت بانوان در عرصه وکالت (آپلاکو و انجمن های علمی حقوق و فقه حقوق کشور)
مورخ: ۱۴۰۰/۴/۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱

The image displays a collage of legal notices and advertisements from the Faculty of Law, Arak University. The notices are primarily in Persian and include the following details:

- قرارداد نویسی (Contract Drafting Course):**
 - دوره جامع آیین نگارش حقوقی (با همکاری انجمن های دانشجویی حقوق الزهرا (س) و فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مطهری (ره))
 - مورخ: ۱۴۰۰/۵/۲۰ الی ۱۴۰۰/۶/۱۱
 - سرفصل اول لایحه نویسی (مورخ: ۱۴۰۰/۵/۲۰)
 - سرفصل دوم قرارداد نویسی (مورخ: ۱۴۰۰/۶/۵)
 - سرفصل سوم شکوائیه نویسی (مورخ: ۸ الی ۱۴۰۰/۶/۱۰)
 - سرفصل چهارم دادخواست نویسی (مورخ: ۱۴۰۰/۶/۱۱)
- تصمیمات (Judicial Decisions):**
 - موضوع: بررسی مزایا و معایب تنظیم قولنامه ها و قراردادها در نگاه های متصدی (مورخ: ۱۴۰۰/۳/۲۶)
 - موضوع: مشارکت مسئولیت مدار در تعیین سرنوشت اجتماعی (با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران (شعبه اصفهان)) (مورخ: ۱۴۰۰/۳/۲۳)
 - موضوع: کاربرد فناوری اطلاعات در حقوق (با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران (شعبه اصفهان)) (مورخ: ۱۴۰۰/۳/۲۴)
 - موضوع: ویژه برنامه تابستانه ۱۴۰۰ (با همکاری گروه دبیران انجمن های علمی حقوقی با همراهی جمعی از انجمن های علمی) (مورخ: ۱۸ مرداد الی ۱۵ شهریور ۱۴۰۰)
 - موضوع: آسیب شناسی فرآیند رسیدگی در هیات های رسیدگی به تخلفات کارکنان دولت (مورخ: ۱۴۰۰/۵/۱۸)
 - موضوع: شرایط صدور انواع تصمیمات قضایی (مورخ: ۱۴۰۰/۵/۲۱)
 - موضوع: ورک شاپ موفقیت بانوان در عرصه وکالت (آپلاکو و انجمن های علمی حقوق و فقه حقوق کشور) (مورخ: ۱۴۰۰/۴/۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱)
 - موضوع: نظریه های مربوط به رابطه دولت و اموال عمومی (با همکاری انجمن علمی حقوق اساسی ایران شعبه اصفهان) (مورخ: ۱۴۰۰/۳/۲۶)
 - موضوع: آسیب شناسی فرآیند رسیدگی در کمیسیون های ماده ۱۰۰ شهرداری (مورخ: ۱۴۰۰/۶/۱)
 - موضوع: بررسی جرائم مالی کارکنان دولت (رشا، ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری) (مورخ: ۱۴۰۰/۶/۷، ۶، ۱)
 - موضوع: نکات کاربردی شکوائیه نویسی (مورخ: ۱۴۰۰/۶/۲)
 - موضوع: چگونه رتبه برتر شویم؟ (آزمون ارشد) (مورخ: ۱۴۰۰/۶/۲)

۴۳- چگونه رتبه برتر شویم؟ (آزمون وکالت)

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۳

۴۴- نکات کاربردی دادخواست نویسی

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۳

۴۵- نکات کاربردی لایحه نویسی

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۴

۴۶- تحلیل رابطه استناد در جنایات

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۵

۴۷- بررسی ساختار قوه قضاییه

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۷

۴۸- بررسی قوانین ثبتی و حقوق

سردفتری

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۸

۴۹- بررسی دعاوی رایج حقوقی

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۸، ۱۰

۵۰- هنر فن بیان در مشاغل حقوقی

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۹

۵۱- مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی

ناشی از تجویز داروهای ویژه کوید ۱۹

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۹

۵۲- شرایط مسئولیت کیفری اشخاص

حقوقی

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۱۰

۵۳- آیین اختتامیه دوره جامع حقوقی

تابستانه انجمن های حقوقی کشور

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۱۱

۵۴- موفقیت در آزمون وکالت با روش

صحیح مطالعه متون فقه

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۱۵

۵۵- تشخیص ماهیت و انواع روابط کار

(کارگری و کارفرمایی، بیمانکاری، مشارکت،

دلالتی واجیری) با همکاری انجمن علمی

حقوق یزد و جمعی از انجمن های علمی

سراسر کشور.

مورخ: ۱۴۰۰/۶/۳۱



انجمن های علمی دانشجویی
فقه و حقوق اسلامی و حقوق
دانشگاه شهید مطهری (س)
اراک و الزهرا (س) برگزار میکنند:

دوره جامع آیین نگارش حقوقی

۱
لایحه نویسی

جناب آقای دکتر حسن کیا
وکیل پایه یک دادگستری
و دبیر کمیسیون آموزش کانون وکلا مرکز

چهارشنبه ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۰
ساعت ۲۰

پوستر سرفصل اول لایحه نویسی
دوره جامع آیین نگارش حقوقی (با همکاری
انجمن های دانشجویی حقوق الزهرا (س) و
فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مطهری
مورخ: ۱۴۰۰/۵/۲۰

پوستر نهمین نشست از سلسله نشست های حقوقی
با موضوع: تحلیل رای وحدت رویه شماره ۸۰۵ هیات عمومی دیوان عالی
کشور درباره مجاز بودن تعیین وجه التزام بیشتر از شاخص تورم رسمی
مورخ: ۱۴۰۰/۲/۱۸

پوستر دهمین نشست از سلسله نشست های حقوقی
کارگاه کاربردی آنلاین آشنایی با قوانین و مقررات جدید چک
مورخ: ۱۴۰۰/۲/۲۹

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه اراک برگزار می کند:

نهمین نشست از سلسله نشست های حقوقی
با موضوع: **تحلیل رای وحدت رویه شماره ۸۰۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور درباره مجاز بودن تعیین وجه التزام بیشتر از شاخص تورم رسمی**

سخنران:
دکتر مهدی امینی
استاد و مدرس گروه حقوق دانشگاه شهید مطهری
وکیل پایه یک دادگستری

دبیر نشست:
دکتر حسین کاویار
استاد و مدرس گروه حقوق دانشگاه اراک

زمان: شنبه ۱۸ دیماه ۱۴۰۰
ساعت: ۲۱:۰۰

لینک ورود به نشست
<http://www.skyroom.online/ck>
<http://arakuuniversity/anojmanhoyehoghoh>

انجمن های علمی دانشجویی
فقه و حقوق اسلامی و حقوق
دانشگاه شهید مطهری (س)
اراک و الزهرا (س) برگزار میکنند:

دوازدهمین نشست از سلسله نشست های حقوقی با موضوع:
کارگاه کاربردی آنلاین آشنایی با قوانین و مقررات جدید چک

سخنران:
دکتر نازیلا تهرانی
مدرس و دانشیار گروه حقوق دانشگاه اراک
و عضو هیات علمی کانون وکلا مرکز

دبیر نشست:
دکتر حسین کاویار
استاد و مدرس گروه حقوق دانشگاه اراک

زمان: چهارشنبه ۲۹ دیماه ۱۴۰۰
ساعت: ۱۱:۰۰

لینک ورود به نشست
<http://www.skyroom.online/ck>
<http://arakuuniversity/anojmanhoyehoghoh>

لینک ورود به نشست
<http://www.skyroom.online/ck>
<http://arakuuniversity/anojmanhoyehoghoh>

راه های ارتباطی

تلگرام

https://t.me/Arak_law_club

اینستاگرام

http://instagram.com/arak_lawclub

ایتا

@Arak_law_club

وبلاگ

<http://araklawclub.blog.ir/>

جیمیل

Araklawclub۹۹@gmail.com